

فدراسیون یهودیان ایرانی

نشریه
شوفار
SHOFAR

Ironian Jewish Federation

سال اول - شماره ۸ - آذر ۱۳۶۱
دسامبر ۱۹۸۲ - کیسلو ۵۷۴۳



من همه پرواز،
من همه احساس و شوقم
لیک بس تنها،
پرکشیدن بر فراز این همه امواج
کاریک تن نیست.
هم نفس، هم راه، هم آوازمیخواهم!



۱۳۶۱ (۱۹۸۲)

شرکت کتاب

مرکز اطلاعات ایرانیان



راهنمای مشاغل ایرانیان مقیم کالیفرنیا

سال سوم ۱۳۶۲/۱۹۸۳

(دفتر تلفن ایرانیان)

THE IRANIAN DIRECTORY



۱۳۶۰ (۱۹۸۱)

THE IRANIAN DIRECTORY®
YELLOW PAGES
IN CALIFORNIA 1983

Ad. Application

پرسشنامه آگهی

DATE: _____

TYPE OF BUSINESS

نوع شغل

SIZE

اندازه آگهی

BUSINESS NAME

نام شغل:

SPONSOR'S NAME

نام متقاضی:

ADDRESS

نشانی:

CITY

STATE

ZIP CODE

PHONE NO.

SPONSOR'S SIGNATURE امضاء متقاضی

برای آگاهی از قیمت و سایر شرایط آگهی در دفتر تلفن ایرانیان ۱۹۸۳ با شرکت کتاب تماس حاصل فرمائید.

KETAB CORP.

16661 VENTURA BLVD., SUITE 828, ENCINO, CA 91436

TEL.: (213) 789-0558

با آگهی در کتاب

“راهنمای مشاغل ایرانیان”

به کاروان ایرانیان موفق پیوندید

SHOFAR

IRANIAN JEWISH FEDERATION

6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048

Tel: (213) 655-7730
(213) 655-7731

شوفار

سال اول - شماره ۸

آذر ۱۳۶۱
دسامبر ۱۹۸۲

• شوفار بوسیله فدراسیون یهودیان ایرانی که سازمانی است غیرانتفاعی و ثبت شده منتشر میشود. هدف ما اعتلای فرهنگ یهود، حفظ و بزرگداشت ارزشهای قومی و اخلاقی یهودیت و توسعه فرهنگ فارسی در میان یهودیان ایرانی خارج از کشور است.

سرمدیر: هاسرشار
مدیراداری: الیاس اسحاقیان
مشاور فنی و هنری: کامران خاوارنی

باهمکاری شورای نویسندگان

• نویسندگان و علاقه مندانی که نوشته هایشان در این ماهنامه منتشر میشود همگی قلم خود را برای یگان در اختیار شما گذاشته اند. باشد که این خدمت گامی در راه تشویق شما دوستان دست بقلم برای پیوستن به ما بشمار آید.

• مقالاتی که با ذکر نام نویسنده و یا منبع خبری چاپ میشوند در محدوده مسئولیت خود نویسنده و آن منبع خبری است.

• نقل و اقتباس مطالب شوفار با ذکر مأخذ آزاد است.

بهاء درج یک نوبت آگهی

۱/۱ صفحه	۵۰ دلار
۱/۵ صفحه	۸۵ دلار
۱/۳ صفحه	۱۲۰ دلار
۱/۲ صفحه	۱۵۰ دلار
یک صفحه کامل	۲۵۰ دلار
پشت جلد	۳۵۰ دلار

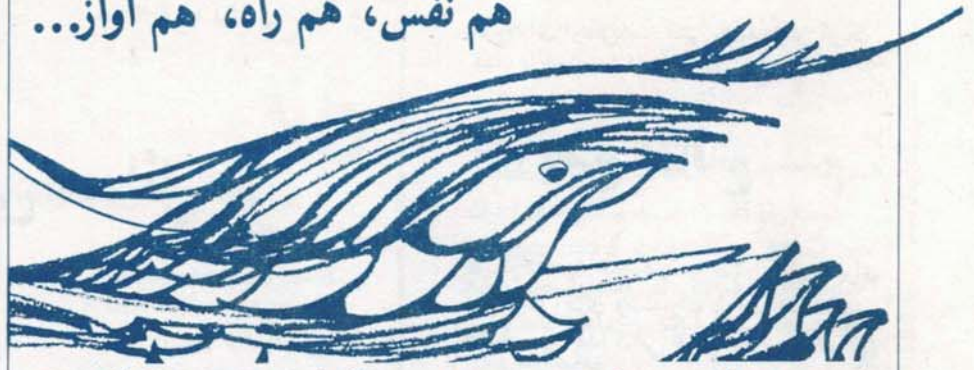
مهلت قبول آگهی برای درج در شماره آینده نشریه حداکثر تا ۱۵ دسامبر است.

مسئول آگهی ها:

شرکت کتاب

۷۸۹-۰۵۵۸

هم نفس، هم راه، هم آواز...



• من، طبیعتاً تمایل دارم که قضایا را از جنبه مثبت و روشن نگاه کنم. شاید باین دلیل که کار روزنامه نگاری همواره بانوهی امیدواری و ایمان همراه است (شما باید مؤمن باشید که قادرید از قلم سیاه و کاغذ سفید پدیده ای بنام روزنامه یا مجله را بوجود آورید). به علاوه، تصور میکنم که دید مثبت و خوش بینی قادر است نتایج ايجاب آوری نیز بسیار آورد. از طرف دیگر به یمن نامه های گرم و صمیمانه و حمایت دلگرم کننده شما دوستان عزیزان ایمان آورده ام که در آرزای خوش بینی میتوان پاداشی هم گرفت.

بعنوان مثال، از شماره پیش که مستقیماً با شما دوستان به سخن نشستیم و حمایت شما را خواستار شدیم، هر چند میدانستیم جراب سریع و فوری و حمایت آبی و آکنشی مشکل بنظر میرسد ولی از اینکه با شما در درو شویم، حرف دلیمان را بشما بیزیم و یاری شما را خواستار باشیم نهراسیدیم چون ایمان داشتیم همین تماس راهها و شیوه های جدیدی را برای رسیدن به هدف کلی پیش پای همگی مامی گذارد. هدف کلی چه بود؟ همبستگی و اتحاد، نزدیک شدن بهم و احساس وابستگی کردن به یک جمع در دل جامعه ای عظیم. پاسخ های شما دوستان در حمایت از ما و روشن نگاه داشتن این شعله اشتیاق که در دلیمان بوجود آمده بی نهایت هیجان انگیز است. هر روز از شما عزیزان نامه و تلفن دریافت می کنیم: ندهای تشویق آمیز، آموزنده، راهنمایی دهنده و حتی انتقاد آمیز.

دوستی مینویسد: «بعد از چند سال سرگردانی احساس میکنم مرجعی نقطه امید یافته ام.» دیگری تلخن میکند و میگوید: «باتمام وجود آمده همکاری با شما هستم، چه از نظر مالی چه از نظر معنوی.» خواننده دیگری مینویسد: «وقتی می بینم در این موقعیت زمانی که همه بلا تکلیف و سرگردان مانده اند گروهی هدفی مشخص تعیین کرده اند، آنرا بروی کاغذ آورده اند و در راه رسیدن به آن از وجودشان مایه می گذارند اگر بخوایم دچار یاس و ناامیدی بشوم خود را سرزنش خواهم کرد. در این سرزمین همه ما چون نوزادانی تازه متولد شده ایم که حتی نشاط و توان لازم نوزادان نداریم و کودکی بپرستیم: قدمهایی این چنین توان رفته را بجایمان باز میگرداند.» نویسنده محترمی در ددل میکند: «من متقاعد شده ام که بزرگترین مانع در راه همبستگی و اتحاد ما یهودیان ایرانی در این سرزمین تازه روحیه بیتفاوتی و عدم علاقه ای است که بکارهای اجتماعی داریم. این روحیه همواره در گذشته با توجه به سیاستهای گوناگون در ما ایرانیها تقویت میشد، و هنوز بار باقیمانده آنرا روی دوش میکشیم. شما کسانی که فدراسیون یهودیان ایرانی را بنیان گذاشته اید و یک وسیله ای ارتباطی بنام شوفار بوجود آورده اید بجهت باین دشمن سلامت روح بشر رفته اید، شهادت بسیار میخواهد و صبوری و فداکاری و عشق به خدمت. نیرویان را از دست ندهید و بکارتان ادامه دهید. اگر همه ما این چنین خوش بین بودیم خدا آگاه است چه بسیار نتایج پر براری که میگیریم.»

درست است، ما امیدواریم. میدانیم ضربات مختلفی که این اواخر بر پیکر ملت و مملکت ما وارد آمده است کم نبودند و نیستند. میدانیم که برای جان سالم بدر بردن از زیر این ضربات چقدر باید استوار و پایدار بود، میدانیم که در دل هر کس غمی بزرگ از دوری و هجران، یاس و حرمان خانه کرده است. بیکاری، عدم توانایی مالی، سرگردانی و... هزار مشکل دیگر همه را آنچنان پریشان کرده است که نمیتوان کسی را بغیر از بد بینی و بیایی تفاوتی مورد سرزنش قرارداد. ولی یادمان هم نرفته است که این چرخهای از کار ایستاده باید بالاخره هر چه زودتر براه افتد و برای این راه اندازی یک تن و دوتن کافی نیست: یک نیروی همگانی و یکدست، توان و قدرتی متجانس و هم بسته و شور و هیجانی دسته جمعی لازم است تا با هم راه بیفتیم.

جلوه ای از این حرکت اولیه هم اکنون زیر دست شماست. تجلی های دیگران نیز بصورت وجود سازمانهای مختلف، برگزاری جلسات سمینارهای بررسی مسائل، دیدارها و سخنرانی های گوناگون، بنیان گذاری خدمات ویژه در حال با گرفتن هستند. پایه های اولیه گذاشته شده اند، کافست شما علاقه مند باشید و پیش بیایید، بی تفاوتی را کنار بگذارید و درگیر شوید، به تعریف از آنچه دیگران می کنند اکتفا نکنید و خودتان جزئی از دیگران گردید. به سرنوشت قوم و ملت و اجتماع خود بیاندیشید و به اینکه چگونه میتوانی در این لحظات حساس سرنوشت ساز باشید. کنار کشید و از سربمی علاقه شانه هارا بالاتیاندازید که بمن چه: همه آنچه در اطراف مامی گذارده ام بمن است، هم به تو، هم به ما و هم به شما.

همه چیز میتوان از نو ساخت ولی به شرط آنکه هم نفس، هم راه و هم آواز یکدیگر باشیم ■

ه -

سمینارهای بررسی مسائل

اجتماعی

● همزمان با شرکت فعالانه سازمان های مختلف و توجه و علاقه مفردین در اعلام نامزدی برای عضویت هیأت مدیره فدراسیون یهودیان ایرانی، اسامی کاندیداها بعد قابل توجهی رسیده است. در شماره بعدی شوفار (ماه ژانویه) که قبل از برگزاری انتخابات منتشر میشود شرح کامل فعالیت های انتخاباتی و چگونگی آشنایی شما دوستان با کاندیداها با اطلاع خواهد رسید.

همزمان با این فعالیت ها جلسات سمینار بررسی مسائل اجتماعی که به ابتکار کمیته برگزاری انتخابات و در راه آشنایی و گردهمایی هر چه بیشتر یهودیان ایرانی مقیم لوس آنجلس هر دو هفته یکبار تشکیل می شود تا بحال در دوازده ماه نوامبر بحث و گفتگو در باره دو موضوع اساسی و مورد توجه عموم را آغاز کرده است.

برگزاری این سمینارها حاصل جلسه مشورتی و بسیار مفیدی بود که عصر دوشنبه ۲۵ اکتبر در محل فدراسیون یهودیان امریکایی تشکیل گردید و در آن هیأت مدیره کلیه سازمان های یهودی ایرانی مقیم کالیفرنیا و گروهی از معتمدان و مشاوران مسائل اجتماعی با نظریات مشورتی و آموزنده خود تبادل رای و عقیده لزوم شکل هر چه بیشتر جامعه را متذکر شدند. به اعتقاد این گروه بهترین و اساسی ترین راه در جلب نظر جامعه یهودیان ایرانی به شکل اجتماعی و همبستگی بیشتر برگزاری جلسات بحث و گفتگو و رویی افرادی یکدیگر است.

به دنبال این نظر اولین سمینار در تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۸۲ در محل کنیسی بت جکوب واقع در تقاطع دوهینی و المپیک برگزار شد و حضور بیش از سیصد تن از علاقه مندان شور و حال خاصی به جلسه بخشید. در محیطی بسیار صمیمانه و دوستانه و آرام سخنرانان در مورد لزوم اتحاد و تشکل و ایجاد صدای واحد سخن گفتند، نظریات بیشتری از طرف شرکت کنندگان داده شد و برای بسیاری از سوالات، سوء تفاهم ها، و بقول بسیاری از شرکت کنندگان عقده های

چرکین گذشته پاسخ های مثبت و قطعی یافته شد.

باز هم بدنبال تبادل نظر با شرکت کنندگان و اتخاذ رای از آنان تصمیم بر این گرفته شد که سمینارها هر دو هفته یکبار ادامه یابد و در هر جلسه در مورد موضوع مورد بحث جلسه بعد نظر جمع خواسته شود. بطور کلی با توجه به پیشنهاد های متعددی که در مورد موضوع های مورد بحث دریافت کردیم امیدواریم که تعداد این سمینارها را با توجه به نیاز و احتیاج روز و گوناگونی مسائل تا آنجا که امکانات اجازه میدهد ادامه دهیم.

دومین نشست سمینار روزیک شنبه ۲۱ نوامبر در همان محل کنیسی بت جکوب برگزار شد. در این جلسه دکتر روبرت مرادی روانشناس در زمینه «تاثیر فرهنگ بیگانه در روابط جوانان و خانواده» و دکتر نعمان نعمانین روانشناس در باره «عوامل و عوارض روحی ناشی از انقلاب و آثار آن در خانواده» سخن گفتند.

پس از آن جلسه بحث و گفتگوی آزاد و سؤال و جواب در مورد انتخابات و نحوه برگزاری آن بعمل آمد. در این نشست که با استقبال گرم جوانان و پدر و مادرها مواجه شد بیش از ۴۵۰ تن شرکت داشتند.

برای اطلاع آن دسته از علاقه مندان که هنوز از برگزاری این سمینارها آگاه نشده اند متذکر می شویم که سومین نشست سمینار روزیکشنبه بنجم دسامبر از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر و چهارمین نشست سمینار روزیکشنبه ۱۹ دسامبر از ساعت ۴ تا ۶ بعد از ظهر در محل کنیسی بت جکوب خواهد بود. موضوع های مورد بحث هر سمینار در همان روز برگزاری از طریق تلویزیون ایرانیان و تلویزیون جام جم با اطلاع دوستان خواهد رسید.

در اینجاست از همکاری صمیمانه دو برنامه تلویزیونی ایرانیان و جام جم در اعلام برنامه های سمینار بررسی مسائل اجتماعی سپاسگزاریم.

از پاسخ شما قانع نشدم

● در جلسه عصر دوشنبه ۲۵ اکتبر که برای برنامه ریزی و مشورت در امور انتخابات فدراسیون مذاکراتی بعمل آمد در اوراق آیین نامه تنظیمی که به مدعویین تسلیم شد مشاهده کردم یکی از شرایط انتخاب شوندگان داشتن حداقل ۳۰ سال سن است. پیشنهاد کردم حداقل یک نفر از جوانان کمتر از سی سال از طبقه دانشجویان حق انتخاب شدن داشته باشد که در حقیقت دانشجویان و جوانان ما که سرمایه های معنوی و چشم و امید همه ما هستند در هیأتی که برای جامعه تصمیم گیری و رهبری می کند نماینده ای داشته باشند.

پاسخ شنیدم اگر بخواهیم یک نفر نماینده از جوانان بگذاریم هر طبقه ای خواستار یک نماینده خواهد شد و این امکان پذیر نیست. با توجه به اینکه در فصل پنجم آیین نامه کمیته امور جوانان و دانشجویان منظور شده است بنابراین نظر شما تا من است؛ و در پاسخ دوست دیگری که چرا حداقل سن سی سال برای انتخاب شونده در نظر گرفته شده شنیدیم اگر ۲۵ سال در نظر گرفته می شد می گفتند چرا ۲۵ سال و با هر سن دیگری ولی در هر حال بنظر ما یک فرد سی ساله پختگی و شایستگی انتخاب شدن را دارد. باین مطالب بعنوان پاسخ به سئوالات قانع نشدم زیرا همه پدران و مادران قبول دارند که این مهاجرت اجباری تغییرات و تحولات شگرفی را در خانواده ها از هر جهت پدید آورده است. اکثر ضوابط عوض شده اند، دیدها و افکار و برداشتهایی که مادران ایران داشتیم بکلی در این سرزمین خصوصاً درباره جوانان متفاوت است.

متأسفانه دانشجویان و جوانان که اکثراً روشنفکر هستند و قریب یک چهارم جمعیت ما را تشکیل می دهند از حق انتخاب شدن محروم هستند و اگر فرضاً در انتخابات هم شرکت کنند نماینده آنها از خودشان است و نه مشکلات و خواسته های آنان را درک می کنند زیرا در شرایط سنی موکلین خود قرار ندارند.

هیأتی که انتخاب می گردند و رهبری قومی را بدست خواهند گرفت اگر هم بخواهند از سیاست دوری کنند هرگز سیاست بدور نخواهند بود و با گروه های

دکتر فریدون نیسان

دندانپزشک

F. Naysan D.D.S.

10350 Santa Monica Blvd., Suite 190,
L.A., Ca. 90025

تقاطع سانتامونیکا کوچک و بوری گن

(213) 557-1704

بیمه های درمانی پذیرفته می شود.

دکتر بیژن بروخیم



جراح و متخصص بیماریهای زنان،

زایمان و نازائی

Diplomate American Board of
Obstetrics and Gynecology

تلفن: ۵۰۱-۶۷۷۵

16311 VENTURA BLVD.
SUITE 745
ENCINO, CA 91436

9024 BURTON WAY

BEVERLY HILLS, CA. 90211

دکتر فریدون امانوئل

دندانپزشک

D.D.S.

Westwood Medical Plaza
10921 Wilshire Blvd. Suite 905
Los Angeles, Ca. 90024

روزهای دوشنبه الی جمعه

از ساعت ۸/۵ الی ۶ بعد از ظهر

باتعین وقت قبلی (213) 208-8385

دکتر پرویز پیرنظر



متخصص بیماریهای زنان و زایمان

10921 Wilshire Blvd. Suite 1110
(Westwood Medical Plaza)
Los Angeles, Ca. 90024
Tel: (213) 824-0049

دکتر بهرام کشفیان

دندانپزشک

Bahram Kashfian D.M.D.
Prosthodontist

اکثر بیمه ها پذیرفته میشود

CENTURY MEDICAL PLAZA
2080 CENTURY PARK EAST,
SUITE 1201
CENTURY CITY
TEL: (213) 553-1578

دکتر سعید کامروا



جراح و متخصص بیماریهای زنان،

زایمان و نازائی

از آمریکا و دارای برد تخصصی

DIPLOMATE AMERICAN
BOARD OF OBSTETRICS
AND GYNECOLOGY

18411 CLARK ST. #301

ناحیه VALLEY جنب بیمارستان نارزانا

تلفن ۲۴ ساعته ۷۰۵-۰۰۳۲

سیاسی و قوانین مربوطه و مختلف دیگر سروکار خواهند داشت. در حالیکه تجربیات این چند سال در امریکان نشان داده است برای کوچکترین فعالیت فردی محتاج به مشاوره با وکیل و رعایت قوانین مختلفی هستیم در مورد انتخاب نمایندگان جامعه ضروری است چند نفر حقوقدان تحصیل کرده امریکا انتخاب گردند. معلومات اکتسابی در این سرزمین است که بکار اینجاست آید و ناچار جامعه ما ملزم می گردد که در گروه رهبران خود نمایندگان از جوانان که اندوخته علم و دانش امروزی منطبق با خواسته های این کشور دارند را انتخاب کند.

نمی توان منکر شد که هم اکنون بار مسئولیت و اداره امور اکثر خانواده ها به عهده جوانان خانواده است و آنها هستند که بخاطر آشنائی و شناختن بهتر محیط و زندگی امریکایی، چرخ امور خانواده را می گردانند. پس بایستی ما بست ها را در بریا زود به جوان ها که تحرک بیشتر و تحصیلات این مرز و بوم را دارند بسپاریم و سعی نکنیم سیستم اداری کهنه و پوسیده ایران - «بله قربان» - «هر چه شما بفرمائید» و «امرار مبارک است» را در اینجا علم کنیم.

مناسب است یادآوری کنم که برای سمینارهای بعدی لازم است از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی دعوت بعمل آید که در این باره خودشان هم اظهار نظر کنند ■
ایوب یوسف زاده

کمیته برگزاری انتخابات

• این سازمان با کمال افتخار و نهایت قدرت آمادگی خود را جهت شرکت در انتخابات فدراسیون یهودیان ایرانی اعلام و برنامه فعالیت خود را در این تصمیم گیری سرنوشت ساز و حساس بشرح زیر با اطلاع میرساند. لیست کاندیداهای مورد نظر تا تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲ کتباً با اطلاع خواهد رسید.

به منظور تبادل نظر و آشنائی و گفتگو با اعضاء سازمان دوجلسه عمومی در تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۲ و نهم ژانویه ۱۹۸۳ ترتیب داده ایم که محل برگزاری این جلسات بزودی با اطلاع عموم خواهد رسید. در پایان تقاضا داریم این نامه را در مجله شوفار بچاپ رسانید.

دبیرخانه سازمان یهودیان ایرانی مقیم کالیفرنیا (سیامک)

حنوکا

جشنواره روشنایی ها

ویادگار پیروزی حق بر باطل



تشابه وقایع تاریخی در کشورها و ادوار مختلف:

طغیان متتیا هوئی کاهن و پسرانش علیه ظلم و بیدادگری

آنتیاخوس مشابه طغیان کاوه آهنگر و پسرانش علیه

ستم ضحاک سیاهکار است.

سالیان ۱۶۵-۱۷۰ قبل از تاریخ معمول، سالیان بس نکبت باری برای ملت یهود بود. یروشالیم مرکز حیات مذهبی و ملی یهود در اختیار یونانیان و عمال آنها بود. در معبد مقدس بجای آئین پرستش یهودی مجسمه زئوس خدای یونانی برپا شده و از یهودیان خواسته میشد تا آنرا نه تنها در یروشالیم بلکه در تمامی مملکت یهود پرستش و سجده کنند. قوانین ویژه ای یهودیان را از انجام فریض و سنت های پدران خود منع میکرد. ناراضیان ترک شهروندی بار کرده و به بیابان های یهودا و به کوههای اطراف شهر یروشالیم پناه برده بودند. در شهرک مودیعین، واقع در کوههای یهودا که بین یروشالیم و شهر یافا قرار دارد، متتیا هوکا هن و پنج پسرانش علم طغیان برافراشتند و با متشکل کردن ناراضی ها بگردخویش و یک سلسله جنگ های پارتیزانی نیروهای برتریونانی را در چند جنگ شکست دادند. یهودامکابی فرزند متتیا هو در سال ۱۶۵ قبل از تاریخ معمول، در بیست و پنجم ماه کیسلو یروشالیم را تصرف کرد. معبد مقدس را مظهر نموده شمعدان هفت شعله را با روغن پاک تنها کوزه ای که باقیمانده بود روشن کردند و این چنین دوباره معبد مقدس «حنوکا» گردید یعنی افتتاح شد. می گویند کوزه روغن بطور معجزه آسایی هشت شب مورد استفاده قرار گرفت و این ایام بعنوان سپاسگزاری و یادبود پیروزی حق بر باطل هر سال جشن گرفته میشود.

چرا ما این پیروزی نظامی را جشن میگیریم؟

در تاریخ یهود با اینکه ظاهراً اکثر صفحات آن از اشک و خون و شکست نظامی حکایت دارد، معهد پیروزی های زیادی نیز بچشم می خورد. ولی چرا همه پیروزی های بدست فراموشی سپرده شده اند و تنها پیروزی حنوکا جشن گرفته میشود؟ مگر این پیروزی یک پیروزی نظامی بود؟ خیر. حنوکا جشن پیروزی نظامی گروهی قلیل بر گروهی کثیر و یا حتی جشن معجزه کوزه روغن نیست. حنوکا مظهر پیروزی ایمان و اعتقاد و فرهنگ و سنت یهودی بر تمدن و فلسفه و آرمان های یونانی است. بعبارت دیگر حنوکا مظهر پیروزی نیروهای روحانی و ملی قوم یهود بر نیروهای اضمحلال و جذب در میان تمدن غیر یهودی است.

تسلط فرهنگ غالب:

شرق در برابر اسکندروسپاهیان یونانی مغلوب



شده اما شکست شرق تنها شکست نظامی نبود. فلسفه و فرهنگ و مذهب یونانی نیز بمرور زمان جایگزین فلسفه و فرهنگ شرق گردید. اسکندر مقدونی رهبری با افکار جهان وطنی بود. او طرفدار برادری و برابری افراد بشر و فرهنگ هابود و برای از میان برداشتن سدهای فرهنگی و سنتی موجود بین مقدونیان و شرقیان بسیار کوشا و پیگیر می نمود. اسکندر هر روز بیشتر مجذوب شرق میشد بطوریکه در شهر شوش هشتاد نفر از بزرگان زادگان مقدونی را واداشت تا با اصیل زادگان ایرانی ازدواج کنند: عملی که برای مقدونیان مکروه و ناپسند محسوب میشد. حتی مراسم ازدواج را طبق رسوم ایرانیان برگزار کرد. در گوشه و کنار مشرق زمین شهرهای یونانی مانند اسکندریه و انطاکیه با تشکیلات اداری و قضائی و مذهبی یونانی ساخته شد. در اکثر شمالی شرقیان با کمال میل از سیستم نو استقبالی کردند و زبان و آداب و فرهنگ یونانی را پذیرفتند. اما در سرزمین هایی که یونانیت با تمدن های کهن و ریشه دار مواجه شد، نشر آن بطشی یا متوقف گردید و یا اجباراً تغییر ماهیت داد. بعنوان مثال در شهرهای بزرگ مصر، یونانیت به آسانی پذیرفته شد اما در نقاط دور دست یونانیان در اجتماعات دهقانی حل شدند. در سرزمین یهودی یونانیت با یهودیت مواجه گردید و چند صد سال طول کشید تا اینکه نیروهای روحانی یهود بر یونانیت غلبه کردند.

مقابله یهودیان با فرهنگ یونانی:

تعدادی از یهودیان که در این مقطع تاریخی در سرزمین مقدس و گروه دیگری که در خارج (گالوت) زندگی می کردند از این تاثیرهای فرهنگی بدور نماندند. یهودیان خارج از مرکز ملی بسهولت یونانیت را پذیرفتند. اولین علامت پذیرش یونانیت، تغییر دادن نام های عبری بنام های یونانی بود. نام های تازه ای مانند تلمی، الکساندر - دیتمریوس - یاسون - منلوس و غیره در میان جوامع یهودی آن زمان زیاد دیده میشود. حتی نام های عبری یونانی ترجمه شدند: چون متتیا هو که یونانی تودوروس ترجمه شده است. دومین گرایش تغییر زبان بود. یهودیان زبان یونانی را جایگزین زبان عبری و آرامی کردند. آنها نه تنها زبان یونانی صحبت میکردند بلکه آثار ادبی و فلسفی و مذهبی خود را نیز به این زبان می نوشتند. حتی در حدود ۲۵۰ سال قبل از تاریخ معمول تورات را به زبان یونانی ترجمه کردند که علت اصلی این عمل عدم آشنائی توده مردم ب زبان عبری بود. در اجتماعات یهودی شهر اسکندریه اکثر عناوین و القاب و نام های

مؤسسات یهودی تبدیل به نام های یونانی شد. در زمینه تعلیم و تربیت جوانان یونانی ها اهمیت زیادی به پرورش و زیبائی بدن میدادند که معمولاً در «جیمناسیون» یا ورزشگاه با تشریفات خاصی که اکثراً جنبه مذهبی داشت عملی میشد. بعضی از علمای یکی از علل اصلی شورش مکابی ها را بر پایی یکی از همین «جیمناسیون» ها در شهر یروشالیم می دانند. یهودیان مشتاق تمدن یونانی و تقلید از آن برای اینکه بتوانند در مراسم جیمناسیون که معمولاً لخت انجام می گرفت شرکت کنند، حاضر بودند خود را بدست تیغ جراحان بسپارند تا با جراحی پلاستیک آنان را شبیه نامختونان کنند.

اینگونه تمایلات شدید نسبت به تمدن یونانی در یروشالیم و شهرهای یونانی نشین بسیار قوی بود، بطوریکه این مراکز بزرگ بتدریج تحت سلطه این گروه که از حمایت حاکمان یونانی برخوردار بودند درآمدند. در مرحله اول یونانی گرایی در میان عده ای که مصدر کارهای عمومی بودند پدید آمد و سپس طبقه متمول و حتی بعضی از کاهنان بزرگ که نماینده مذهبی و سیاسی ملت بودند بدان گرویدند.

قیام علیه فشار و ظلم:

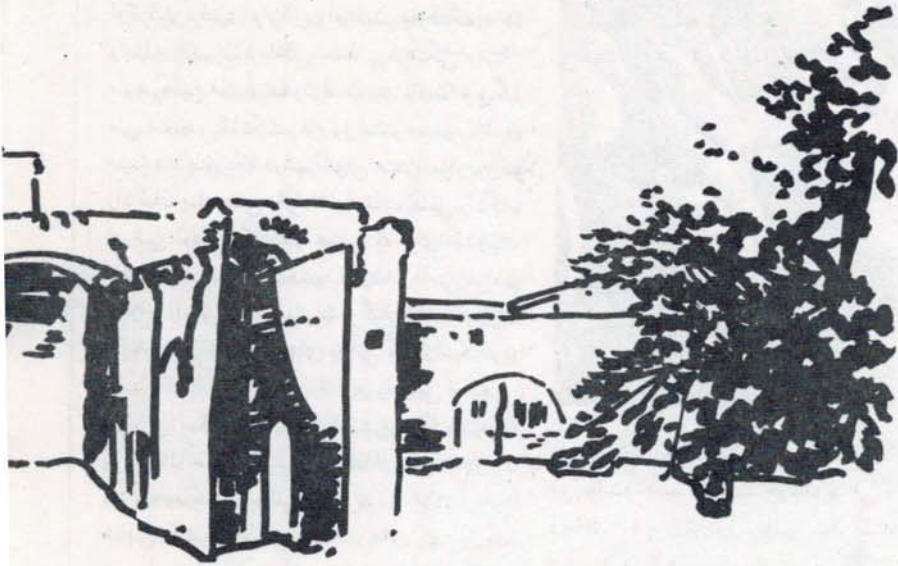
آنتیاخوس اپیفانس که شخصیتی بی ثبات و تقریباً نیمه دیوانه داشت، سعی کرد تا با وضع قوانین منع رعایت قوانین مذهبی و اجبار مردم به پرستش زئوس، بیشتر و بیشتر یهودیان را از ایمان و سنت های ریشه دار خود بدور کند. از اینجاست که قیام متتیا هو و پسرانش که به «حشمونائیم» معروفند آشکار میگردد. علت وضع قوانین آنتیاخوس مخالفت بیش از حد توده مردم با جذب در تمدن یونانی بود. نکته قابل توجه دیگر اینست که آرمان های یک ملت بوسیله فشار و زور از بین

نمی رود و نمی توان ملتی را بزناود آورد مگر اینکه در برابر آرمان هایش و اعتقاداتش، آرمان ها و اعتقادات دیگری همطراز با هم سنگ آن قرارداد. بهمیت علت تنها منع انجام دادن فریاض دینی کافی بنظر نمی رسد بلکه می باید رسوم و عقاید دیگری در برابر آرمان های تورا قرارداد مانند پرستش زئوس و شرکت در جشن های مذهبی یونانی در ورزشگاهها. ولی بالاخره فرزندان راستین قوم یهود این عقاید و آرمان ها را نپذیرفت و برای حفظ موجودیت یهودی قیام کرد و جان فدا کرد و موفق شد.

آیا تاریخ تکرار می شود؟

چه خوب است هنگامی که جشن این پیروزی عظیم تاریخ خود را بر پامی کنیم، از تجربیات گذشته خویش نیز پند بگیریم. موقعیت امروز ما آن دوران فرق زیادی ندارد. پیشرفت تمدن ما را در برابر انگیزه هایی قوی تر و بزرگتر قرار داده است. راه نجات راه نظامی نیست، بلکه برگشت بسوی منابع و ریشه ها است. «حشمونائیم» با شعارهای یکتا پرستی و حفظ قوانین و سنن وارد صحنه تاریخ شدند و چون ایمان بدرستی راه خویش داشتند موفق و پیروز شدند. اما فرزندان آنها در نسل دوم و سوم بعد از این که طعم حکومت و قدرت و زور و سیم را چشیدند دومرتبه بطرف یونانیت رفتند و همین امر باعث گردید که طرفدارانشان در صنف مخالفان در آیند و عاقبت نیز دودمان آنها منقرض گردید. اما یهودیت براه خود ادامه داد. در این برهه از زمان هر یهودی رسالت یک مکابی را بدوش خود می کشد و تجلی این روح در هر فرد باعث ثبت این رسالت در زندگی فردی و اجتماعی است و ترک این مسئولیت و تعهد باعث بی نشانی و بی هویتی و گم شدن است ■

مرثیه ای برای زادگاهم



برگداز که شاخه های برومند درختی
تناور بارش های ستبر در خاک، ناگاه بشکند
و فروریزد و توفانی دهشتناک این شاخه های
سرگردان را از این سوی کره خاکی بسوی
دیگر بفلتاند. این سرگذشت من وماست،
بگذار سرنوشت مانا باشد. بگذار یکبار دیگر
در کوچه های بیادمانندی جهانباره جشنی
بپاکنیم: یک عروسی. داماد را از حمام
سرمحله مشایعت کنیم. جمع همراهان، زن
و مرد پیر و جوان و بچه هاشادی کنار بدنبال
داماد. هر چند قدم توقفی وسازی و آوازی.
«شادی داماد مبارک باد»... «یک حمومی
سیت بسازم چهل ستون چل پنجره»...
و صدای نی داود قصاب که چه دلنوازی
سرود. یادش زنده. از کنار مزار پیر پینه
دوز بگذریم و صدقه ای به گدای کوری که
روی سکوی جلو آرامگاه می نشست. نگاهی
به شمع های داخل آرامگاه و یادی از شاعر
مردمی که آنجا آرمیده است.

تابستان ها، پیش از طلوع آفتاب، پدر به
باغچه حیاط منزل مان می رفت. تره و ریحانی
را که خود کاشته بودمی چید. دسته دسته می
کرد. وقتی ما از خواب برمی خاستیم، دسته های
سبزی خوردن خانگی بود که بخانه همسایه هامی
بردیم: «دستتون درد نکنه». عصر هنگام
پدر باغچه ها را آب می داد. روی تختی که
کنار باغچه گذاشته بود، به رختخوابش تکیه می
داد و سوار جوشان بودوقوری چای. شب هنگام،

سلام جهانباره، سلام زادگاه من، سلام همه
زیبائی های محدود رغبار کودکی. اکنون بی
شما به «جک» همسایه روبروشی سلام می
کنم، پاسخ می شنوم «های» بجای بوی
مطبوع غذاهای شبانی بوی «مک دانلد»
استنشاق می کنم و عصرگاهان چون مرغ به
لانه می خزم، جلوی جعبه جادویی و باز هم
«های» و «مک دانلد» است و...

شب های زمستان، زیر کرسی داغ، پدر از راه
می رسید: کیسه ای را که همیشه بدوش می
انداخت زمین می گذاشت و مابه گردش حلقه
می زدیم. گاه نارنگی و پرتقال، گاه شیرینی
و گاه آجیل و گز و نقل. شام بود و کلام گرم پدر.
از کسادی یارونق بازار، از جزو بحث با همسایه
های مغازه اش، از فیصله دادن دعوی این آن،
از داستان های دوران جوانیش و پلک ها که گرم
می شد همراه با گرمای مطبوع کرسی و خواب.
صبح گاهان، قبل از طلوع آفتاب، کنیسا و تفیلا
و بعد مدرسه. برف بلند سفید و سرمائی که
از درز کفش های نه چندان آب بندی شده تا مغز
استخوان می دوید. در پناه کلاس، بخاری
چوبی، مدرسه آلیانس: زنگ اول عبری...

غریبانه ای است از مسرور، ای پدر که زیارت
دگر باره مزارت آرزویی است که شاید
هرگز به واقعیت نپیوندد. بگشای کیسه
جادویی ات را و مرا رابحه ای از کودکیم
ارمغان ده، یا شهر فرنگی از تصویر کوچه های
گمشده درد و آشپزخانه ها. سوزی است

از گرد راه رسیدیم. من و همگنانم. زمان؟
شاید بیست و پنج قرن پیش. باتن های تکیده
از رنج بیگاری. گروه غلامان در بند بابل
بودیم که کوروش شاه رها نیدمان و در گستره
سرزمین اهورائیان ما و ایمان داد. من
و همراهانم توشه هایمان را از غبار راه زدودیم
و در گوشه ای رحل اقامت افکندیم.

ای جهانباره * پیرا! مرا بفریاد بخود مخوان.
مرا از تو بریده اند - چون نهالی از ریشه اش.
ترا بیاد می آورم باد یوارهای خمیده زیر بار زمان
و کوچه های پیچ در پیچ، محدود و دهیزم هاییکه
زیر دیگ آشپزخانه هامی سوخت و بوی غذای
ناب شبانی. بیاد می آورم غروب شنبه ها،
سکوی جلو خانه ها، پیر زنان و پیر مردان و بچه ها.
صدای شکستن تخمه و نجوا و جیغ و داد. صبح
زود، گذری از زیر بازارچه کنار کوچه -
مشدی حسن علاف باتوده ای از شبدر و یونجه که
جلوی مغازه اش می انباشت و بر آن آب می
پاشید تا شاداب بماند و از همان آب بر زمین
زیر بازارچه هم می پاشید که خاک بلند نشود.
و مشدی صمد عطار «سلام مشدی صمد!»، همه
احترامش می گذاشتیم. «علیک السلام
پسر حاجی. مدرسه چه خبر؟» پاسخ می داد.
سبیل های حنائی رنگ و چشم های قهوه ای
براقی داشت - و چه با محبت بود...

سلام مشدی حسن، سلام مشدی صمد،
سلام یوسف ماهی فروش، سلام داود قصاب،



سفره شام روی همان تخت گسترده می شد - براخامی گفتیم. بعد از شام بازم کلام گرم پدر و شکایت مادر از استخوان درد. روزهای شنبه عصر که می شد، ته مانده غذای شبیاتی و دیگر خوردنیها با بطرهای شراب خانگی در بقیچه همپایچیده می شد و اهل محله گروه گروه راهی سبزه زار مجاور جهانباره که بان صحرایی گفتند می شدند. گوشه بگوشه چاه های آب بود که بانیروی گاوهای نرازان آب می کشیدند و چاه بانها که می خواندند «بنازم کوله گاوسیارا - که هردم می کشد این آب چارا». بساط راپهن می کردیم و می نشستیم، دیگران نیز بهم تعارف می کردیم. مردان طعم شرابی را که خود انداخته بودند به رخ یکدیگر می کشیدند و مقایسه بود و بمصاف طلبیدن و مزاح و رجز خوانی و خنده و شادی. راستی چرا این سبزه زار را صحرایی گفتند؟ مگر نه که صحرایمناهی بیابان آمده است؟ بزرگتر که شدید لغت نامه را گشتیم و دیدیم صحرای سرسبز هم هست. و حال لغت نامه را بازمی کنیم تا بدانیم مخاطب فرنگی زبان ما چه می گوید!

تا کجاء گریاره بساط عصر شنبه را در صحرایبگستریم. می فرمائید در پارک سانتامونیکا؟ اصلاً تصورش را هم نفرمائید! هیهات هیهات. پدران من - بردگان از بندرسته بابلی - بیست و پنج قرن پیش در آن سرزمین اهورائی ما وا گزیدند. و اکنون، بار دیگر، من و همگانم - ما که از تبار آوارگان

واز سلاله از ره رسیدگان اعماق تاریخیم، کوله بارزمین گذاشته و به فراسوی تاریخ نگاه می کنیم. به گذشته و آینده نیز. از کجا آمده ایم و بکجای می رویم. اولی را خود می دانیم و دومی را خدا...

مادر تنها قابل تحصیل کرده محله بود. می گفت «نصف بیشتر بچه های محله رومن بدنیا آوردیم». وقتی همراهش بودم، سایر زنهای که باومی رسیدند، اول سلام و احوالپرسی بود و بعد به بچه هایی که همراهشان بود اشاره می کردند: «غلام خودتونه - پادتون هس؟ این ابراهیم اونم حشمت. خودتون زحمتشونو کشیدین» و بعد دعای می کردند و می گذشتند.

اواسط پاییز پدر به جلفامی رفت و برای شراب انگور می خرید. زیرزمین انباشته از انگور می شد. شب های سرد پاییزی می نشستیم و درسوسوی چراغ نفتی انگورها را دانه می کردیم. شاخه ها را دور می ریختیم و دانه های انگور را کمی می فشردیم و در خم می ریختیم. و انگورهای نیم فشرده در خم می ماند تا برسد. چند هفته بعد، این بار انگور رسیده را، بچه ها با انگشتان کوچکشان و پدر با دست های کشیده و پنجه های استبر، می فشردیم و به خم بازمی گردانیدیم. مادری گفت: «این شراب باشه انشاء الله برای جشن میلان کنون اولین نوه پسری مون».

بیانیید پس از جستجو در گوشه های حافظه مان، بیاخته ای از خاطره های خوش، سوکایی دیگر برافرازیم: آویخته از سقف آن شاخه های به وانگور و انار. سوکایی به بزرگی - شاید - همه محله. و همه آنها را که می شناسیم و می شناختیم بزرگان بنشانیم. فرصتی دیگر تا به موعظه ملاشعون - که قدی کوتاه داشت، ریشی سیاه و بلند و نگاه پرمحبت و نافذ - گوش دهیم. سفره عیدنیسان را بگسترانیم، گرد آن بنشینیم - بالباسها و کفش و جوراب های نو. پیازچه هارا قایم کنیم و چون نوبت به «دیه نو» رسید، به پشت هم بگویم و شادی خنده و قهقهه و گاهی هم فریاد بزرگترها که: «از این لحظه بیعد «دیه نو» ممنوع. بیشتر از این گناه داره» و بالاخره گریه کودکی که در جدالی نابرابر، ضربه ای محکم از پیازچه قویتری خورده است.

مرا بر تبر سنی راهوار با بالهای جادویی بنشانید و چرخ زمان را به عقب برگردانید. هوای نمناک زیرزمین و بوی سر مست کننده شراب گس و نارسم آرزوست. نگاهی به

خطوط پرهیبت چهره پدر، بازوان ستبر و قد افراشته اش. سلامی به پیر مرد روحانی همسایه. حاجی لوی - که چقدر دوستش می داشتیم و گذری به «میدان کهنه» و مغازه های گیوه دوزیش و محاوره ای بالهجه شیرین محله ای که غنی بود و ریشه در فارسی سره داشت - میراثی که بر یاد رفت. نگاهی دیگر به زورخانه سر محله و صدای «علی یارت» مرشد باشی و لمس ارتعاش ضربه هاییکه به ضربش می زد و بیستی چند از شاهنامه و بوسه پهلوانان بر زمین زورخانه. مرابه سرزمینی بازگردانید که با تمام نارساییهایش، دوستی و دوست داشتن بالاترین و والاترین قانون نوشته آنجا بود - به جهانباره ■

• جهانباره که گاه «جویباره» و زمانی «جوباره» نیز نامیده شده، از قدیمی ترین محله های اصفهان است که اکثریت یهودیان این شهر، تا اوایل حکومت سلسله پهلوی در آن زندگی می کردند و پس از آن بتدریج به سایر نقاط شهر و عمده ایشان به تهران کوچ کردند.

از مشخصات جالب این محله - علاوه بر حال و هوای بسیار قدیمیش - همزیستی دوستانه مسلمانان و یهودیان ایرانی در محدوده ای با اکثریت یهودی بود. محله جهانباره بناوحی کوچکتری تقسیم میشد که بزرگترین آن در دشت و گلبار بوده است. عمده یهودیان در این دوناچه زیست می کردند. وسعت محله در دشت بقدری زیاد بود که گاه از جهانباره جدا تلقی میشد. در شعر زیر سروده کمال الدین اسماعیلی که از سرگلابه از ساکنان جهانباره سروده شده این وجه تفریق کاملاً مشخص است:

ای خداوند هفت سیاره
پادشاهی فرست خونخواره
ناک در دشت را چو دشت کند
جوی خون آورد به جوباره
عددمردمان بیافزاید
هر یکی را کند دو صد پاره
وجه تمیجه جهانباره تا آنجا که نویسنده توانسته است از دانسته های ساکنان این محله گرد آورد بقرار زیر است: (البته هرگونه شرح اضافی و متفاوت در این زمینه مغتنم و موجب سپاس خواهد بود).

۱- جهانباره: از ترکیب جهان و پسوند باره که بمعنی دوست و دوستدار آمده است. جهانباره بمعنی دوستی جهان شمولی که میان مسلمانان و یهودیان در این محله وجود داشته است.

۲- جویباره: محله مز بود در ازمنه بسیار قدیم دارای جویباران فراوان بوده و به همین اعتبار جویباره نامیده شده است.

۳- جوباره: مشتق از جهود پاره: یهودیان ایران جهود نیز نامیده شده اند که این خود از ریشه ثلاثی مجرد جهد است. گویابه اعتبار مجاهدات و مبارزات خلق یهود در طول تاریخ مردم مابدين نام نیز خوانده شده اند.

کارشدم، یکی از هیجان انگیزترین اتفاقات زندگی حرفه ای من بوقوع پیوست: انجمن کلیمیان ایران از من دعوت کرد برای توسعه و ترمیم مقبره استر در همدان طرحی بدیم - (بدون اینکه از رابطه گذشته من با مطلب اطلاعی داشته باشند!) - مورد استان این بود:

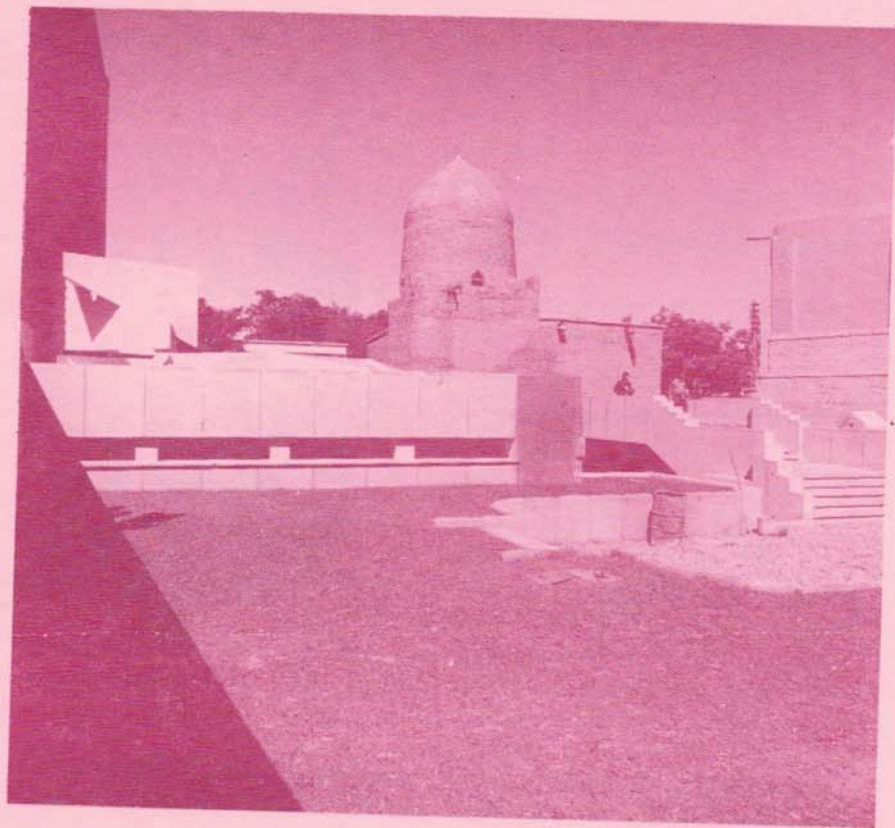
در زمانی که مملکت و ملت ایران، به درست یاب غلط در تکاپوی تدارک جشن های ۲۵۰۰ ساله بودند، مسئولان انجمن کلیمیان بجای حیف و میل بی مورد و تبدیل پولشان به چراغ های زرد و آبی، با مطالعه عاقلانه ای چند طرح «نوسازی» به شورای جشن ها ارائه داد که طرح مقبره استر مهمترین آن بود. (در اینجا از دست از فعالیت های آقایان لطف اله حی و بویره مهدی که این زمین نام برده شود.)

روایات مختلف

اصولاً در اینکه مقبره فعلی استر در همدان، واقعاً مقبره استر است یا نه تردید بسیار است چون در این باره بجز روایات، مدرک قطعی و لازمی در دست نیست. بعضی گمان می برند ممکن است آرامگاه «سارح بت عاشر» در اصفهان، که در کتب بنام مقبره استر خاتون خوانده شده است در اصل مقبره استر باشد. تنها منطقی که در مورد مقبره موجود همدان می تواند قانع کننده باشد اینست که از نظر تطبیق تاریخی با زمان استر، همدان امروزی یا آکباتان پایتخت بیلاقی شاهان بود. در روایات نیز آمده است که استر در سال های آخر عمر به آکباتان رفت و در همانجا مدفون گردید. آنچه مسلم است تاریخ دقیق و حتی آثار مستندی وجود ندارد که مدرکی قطعی برای مورخین و باستان شناسان باشد؛ روایات موجود نیز تأیید کننده هیچیک از این تئوریا نیست. تنها آنچه مسلم و با ارزش است اعتقاد موجود یهودیان ایرانی (و بعضی از یهودیان غیر ایرانی) است. آرامگاه استر برای نسل های بی دربی یهودیان ایرانی زیارتگاه با ارزشی بشمار می رفته است و همینطور برای شهر همدان، یکی از تنهائیانهای تاریخی است که توریست های خارجی را بآن شهر جلب می کرده است. (البته در گذشته!)

بنای مقبره

اما از نظر معماری و اهمیت بنا (بدون در نظر گرفتن احساسات مذهبی!)، ساختمان مقبره اصلی، بنای محقریست که به تقلید از امامزاده هایی که در اکثر شهرهای ایران دیده می شود ساخته شده است. مقبره اصلی (قبل از ترمیم) بصورت یک بنای کوچک



از: مهندس یاسی گبای

مقبره استر آرامگاه یک ناجی اسطوره ای و یک ملکه مردمی

از حفظ می دانند.

اصولاً داستان استر از قدیم توجه خیلی از نویسندگان و نقاشان را، شاید بدلیل جنبه اسطوره ای یا شاعرانه خود، جلب نموده است. تابلوی معروف «بارگاه استر» اثر «رامبراند» را می توان از میان آنها نام برد ■

● در زمانی که در مدرسه «بزار» (هنرهای زیبا) دانشگاه پاریس تحصیل می کردم مطلب فوق و شناخت اکثر او پائیان از داستان «استر» توجه مرا جلب کرد تا آنجا که بالاخره سوژه «مقبره استر در همدان» را برای رساله دکتری خود انتخاب نمودم (چون اصرار داشتم موضوع رساله ام حتماً ایرانی باشد).

چند سال بعد، پس از اینکه در تهران مشغول

● در اواخر قرن ۱۷ میلادی «راسین» شاعر و نمایشنامه نویس فرانسوی، با الهام و تقلید مطلق از داستان «استر» تورات، نمایشنامه «تراژدی استر» را نوشت که یکی از ارزنده ترین آثار ادبیات قدیم فرانسه است. این نمایشنامه که مجموعه ایست از جملات زیبا همراه با آوازه های دسته جمعی، برای اولین بار در سال ۱۶۸۹ در پاریس توسط گروه «سن سیر» اجرا شد. اکنون، هنوز نمایشنامه استر «راسین» در مدارس فرانسه در ردیف آثار برگزیده ادبیات کلاسیک تدریس می شود. اینست که اکثر فرانسویان علاوه بر آشنائی بد داستان جالب استر جملاتی از نمایشنامه را بصورت محفوظات زمان تحصیل

با گنبد کوچک آجری است که حدود ۲۵۰ سال قبل روی آرامگاه اصلی ساخته شده و شامل اتاقک کوچک آرامگاه و یک اطاق مجاور آنست که با وجود ابعادناچیزش در ابعاد مختلف و بخصوص «پوریم» بصورت کنیسا استفاده می شد. از بنای اصلی و قدیمی مقبره بجز روایات، مشخصات دقیقی در دست نیست. آنچه مسلم است قبر اصلی در عمق خیلی پایین تری از سطح ساختمان فعلی وجود دارد. این مطلب هنگامی تأیید شد که ماضن حفاری در کنار آرامگاه فعلی، به دولا به قبرهای متفرقه برخوردیم که روی سر یکدیگر قرار داشتند.

برسم شاید کلیه مذاهب، مقبره استر نیز از قرن هاقبل محل «مرادطلبیدن» و «دخیل بستن» و تمنای آرزوها بوده است. متأسفانه شمع روشن کردن زائرین دوسه بار باعث حریق و از بین رفتن بسیاری آثار بارزش مقبره گردید. برای مثال، روی خود قبر بجای سنگ، صندوق بلند چوبی گرانبهایی وجود داشته است که روی آن توسط استادان یهودی همدان بخط عبری حکاکی شده بود (قسمت هایی از آن هنوز موجود است). بعد از حریق صندوق دیگری راجای آن می گذارند که از نظر کارهتری ارزش چندانی ندارد. یکی دیگر از جالب ترین قسمت های مقبره در سنگی یک پارچه و کوتاهی است که روی یک پایه انباشته از روغن می گردد.

اسطوره استر

در اینجا، برای تشریح دلایل طرح توسعه و نوسازی آرامگاه بدن نیست با احساس و عقاید شخصی، اشاره ای بدستان و شخصیت استر بکنم:

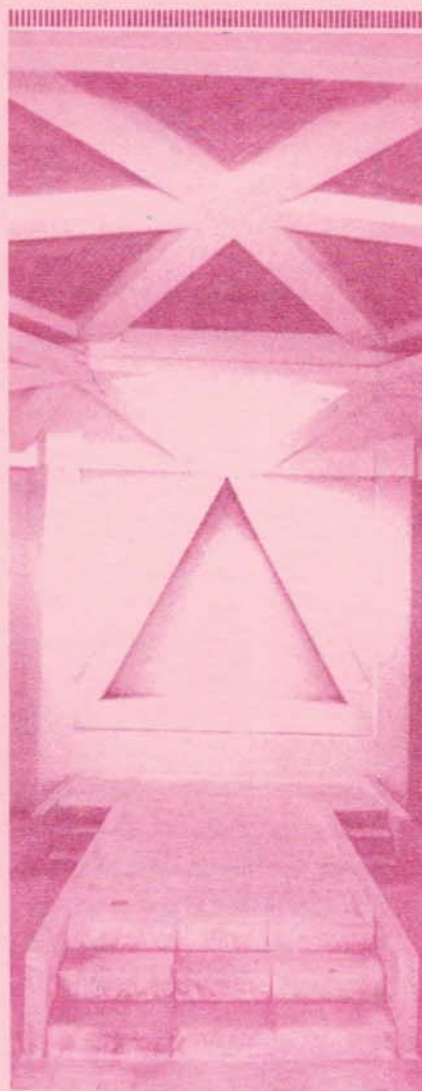
صرف نظر از جنبه های انتقامی دردستان استر، که در همه روایات مذهبی برای نشان دادن تسلط «خوب» بر «بد» وجود دارد، شخصیت روایی استر بعنوان ناجی قومش بی شباهت به «ژاندارک» در مذهب مسیح نیست. با این تفاوت که اگر ژاندارک در زره و لباس رزم ظاهر شد، «استر» با یک دنیا احساس و عاطفه و با دریایی عشق و شور و سیاست هاو زیرکی های زنانه بنام رسید. شک نیست که بدلیل تعصب ها و احساسات مذهبی و ملی، قوم یهود بتدریج وی را تبدیل به پیامبری نجات دهنده کردند. این احساسات بخصوص در میان یهودیان ایرانی، بدلیل ارتباط نزدیکتر و یا بدلیل اینکه بازماندگان نجات یافته همان قوم و همان مملکت هستند محسوس تر است. از نظر ما، «استر» ترکیبی از یک پیامبر ناجی و یک ملکه با عظمت است.

وقایع مهم ۲۵ قرن تاریخ یهودیان ایران از زمان استر به بعد به نمایش گذارده شود. با اینهمه، علاوه بر مرمت کامل و تعمیرات اساسی خود آرامگاه که عملاً در حال ویرانی بود، قسمت های ارزنده ای از طرح ساخته شد و باتمام رسید. ورودی اصلی بنا که قبلاً در پس کوچه تنگ و کشیفی بود با خریداری و تخریب خانه های مجاور به خیابان اصلی و عریض مقابل انتقال یافت. اکنون زائران از خیابان اصلی وارد محوطه می شوند و بعد از عبور از پلکان عریض و گذشتن از پلی که از محوطه باز کنیسی جدید عبور می کند بساختمان آرامگاه می رسند. در سطح پایین تر از آرامگاه و بطوریکه دید ساختمان قدیمی گرفته نشود کنیسی کوچک جدیدی در کنار مقبره ساخته شد که سقف و پوشش آن از خارج و داخل یک ستاره داود عظیم است. روی «هخال» کنیسا (جایگاه نماز) نورگیر بزرگی طرح شده است که در ساعات سه گانه نماز (تفیلای صبح و ظهر و غروب) نور آفتاب را بداخل و بالای سر «هخال» هدایت می کند.

برای جلوگیری از تکرار حریق های گذشته در طرح محل مخصوصی برای روشن کردن شمع ساخته شد که برای ایجاد ارتباط روانی بیشتر روی محور هخال و در خارج محوطه کنیسا قرار دارد. بالاخره تمام محوطه و حیاط مجموعه بانرده های فلزی بلندی که نقش آن از طرح های کاشیکاری ایرانی الهام گرفته شده بود مجزاشد.

بد نیست گفته شود که بعدها از وزارت فرهنگ و هنر اعتراض محرمانه ای بانجمن کلیمیان رسید مبنی بر اینکه «در طرح نرده ها از ستاره شش پر استفاده شده و باید تخریب گردد». در آن زمان پارائنه عکس و مدارک مستند به مسئولان ثابت شد که طرح ستاره شش پردر نقوش ایرانی تازگی ندارد و در کلیه نقش های کاشیکاری مساجد (بخصوص در اصفهان) موجود است ■

من بعد از اتمام طرح آرامگاه استر و مردخای بیش از یکبار دیگر بهمدان نرفتم و خبر چندانی از وضع ساختمان ونحوه بهره برداری از آن ندارم ولی دوست دارم بدانم که در حال حاضر مقبره استر و مردخای بچه صورت حفظ و حراست می شود و چگونه مورد استفاده قرار می گیرد. از دوستانی که در این زمینه اطلاعاتی دارند تقاضای کنم آگاهی های خود را با ما در میان بگذارند.



نمای داخلی کنیسی جدید و «هخال» قبل از اتمام و پایان ساختمان

طرح بازسازی

متأسفانه مقبره قبلی، بنای محقر و کوچکی بود که گو یا و معرف هیچ یک از این جنبه هان نبود. بهمین دلیل در طرح توسعه، بدو موضوع بیشتر اهمیت داده شد: اول نشان دادن ارتباط واقعی داستان استر و مردخای بتاریخ قدیم ایران و قدمت و ریشه قبل از اسلام یهودیان ایرانی — و دوم تشدید جنبه روحانی ساختمان و مجموعه. متأسفانه بدلیل کسر بودجه در اواخر طرح، قسمت هایی از پروژه به اتمام نرسید؛ بخصوص که بعد از برگزاری جشن های ۲۵۰۰ ساله بقول معروف همه آنها از آسیاب افتاد و مسأله بتدریج بفراموشی سپرده شد. برای مثال یکی از برنامه هایی که به انجام نرسید طرح تبدیل اطاق مجاور آرامگاه به یک موزه کوچک بود تا در آن

آغاز یک مهاجرت جدید

چرایهودیان تونس کشور خود را ترک میکنند؟

ورود یک هزار و یکصد چریک فلسطینی که از لبنان وارد تونس شده اند موجب نگرانی باقی مانده یهودیان این کشور شده است بطوریکه گروهی از آنان آماده ترک زادگاه خود شده اند.

البته جمعی اصرار دارند بر این مهاجرت نام موقت بگذارند زیرا عده ای هنوز تونس را جزیره ثبات دنیای عرب میدانند و سیاستهای دوران دیشانه برزیدنت بوریقه را ضامن ادامه آن ثبات بشمار می آورند.

دولت تونس معتقد است: هم اکنون تعداد پنج هزار و پانصد یهودی در آن کشور سکونت دارند، اما انجمن کلیمیان تونس تعداد همکیشان خود را بیش از سه هزار نفر نمیداند و علت این اختلاف نظر آن است که عده ای با حفظ تابعیت در خارج از کشور بسر میبرند و فقط سالی یکی دو بار از زادگاه خود دیدن می کنند و در خانه های بسته و آماده را برای مدت کوتاهی میکشایند.

آرامش برای یهودیان: بوریقه که اکنون ۷۹ سال از سنش می گذرد و از سال ۱۹۵۶ بعد از خروج فرانسویها با قاطعیت تمام حکومت می کند بارها با افتخار اعلام داشته که از هرگونه رفتار سوء و اعمال خشونت در مقابل یهودیان تونس متنفر است. هنگامیکه در طول جنگهای شش روزه اعراب و اسرائیل (در سال ۱۹۶۷) جمعی از متعصبان بغارت مغازه ها و منازل یهودیان و آتش زدن کنیسیای بزرگ شرواق در خیابان استقلال پرداختند، وی دستور دستگیری مهاجمان را صادر کرد و موجب شد تا یکصد و هشتاد نفر از متهمان دستگیر و تحویل دادگاهها شوند. از آنجا که بوریقه همواره نگرانی یهودیان را درک کرده، هیچگاه مانعی از مهاجرت آنان بعمل نیاورده است.

دولت تونس از چند سال قبل قانون ممنوعیت خروج ارز از کشور را با شدت تمام دنبال میکند و اجرای همین قانون موجب شده است تا عده ای از یهودیان از فروش املاک و مستغلات

از: پدیموت هنتگی
ترجمه: سیروس حلاوی

تظاهرات ضدیهودی: امسال برگزاری مراسم شکرگزاری سال نوی یهودیان در همان کنیسا که یکبار در سال ۱۹۶۷ به آتش کشیده شد و مجدداً تجدید بنا گردید بعمل آمد. با اینکه تعدادی مأموران نظامی بمراقبت پرداختند معیناً جلوگیری از تظاهرات پراکنده و شعارهای ضدیهودی میسر نشد و مخصوصاً در جزیره جارباً و دوشهرک یهودی نشین نزدیک مرز لیبی مزاحمت هایی برای آنان فراهم آمد، تاجائیکه راب اعظم یهودیان با دستور بستن و قفل زدن بر کنیساهای تونس عملاً مردم را از انجام مراسم عبادت در روزیوم کیپور منع کرد. اگر چه بعداً این عمل موقتی اعلام شد معیناً از تاریخ تسلط نازیها در زمان جنگ دوم بین المللی به بعد هرگز چنین واکنشی سابقه نداشته است.

تونس و غرب: امریکا و اروپای غربی با وجود سیاست دیکتاتوری حبیب بوریقه و انعطاف ناپذیری وی در ادامه آن، به حفظ روابط سیاسی و اقتصادی با تونس علاقه بسیار نشان میدهند. در تونس فقط یک گروه مخالف ولی محافظه کار وجود دارد و قابل توجه اینکه دولت جلد آزادی بیان گفتار انمی گردولی مطبوعات و رسانه های گروهی زیر نظر است و سانسور قرار دارند.

بخش عمده بودجه کل کشور به فرهنگ و بهداشت مجانی اختصاص دارد و ادامه روش های دورنگرانه رهبران کشور مبتنی بر نوعی سوسیالیزم محافظه کارانه همراه با توسعه فرهنگ و دانش پیشرفت های وسیع و چشم گیری را در سطح مختلف اجتماعی و اقتصادی آن کشور موجب شده است بطوریکه تونس در مقام مقایسه با سایر کشورهای عرب دارای موقعیت ممتاز و شایسته و قابل تحسینی است.

بوریقه مردی با اراده و دارای اعصابی پولادین و از دیکتاتورهای مصلح جهان بشمار می آید. محبوبیت وی اکثرأ بین آنه از تونس ها است که سن جوانی را پشت سر گذارده اند و در واقع سردوگرم روزگار چشیده بشمار می آیند. همانطور که گفته شد اغلب افراد طبقه جوان بعلت وابستگی سیاسی وی با امریکا و غرب و فاصله گرفتن از اعراب درگیر با اسرائیل میانه خوبی با بوریقه ندارند. بقول یک سیاستمدار غربی منتظرند تا روزی رهبر ۷۹ ساله آنان جهان را وداع گوید و حکومت دموکراسی توام با وابستگی هر چه بنیشتربه جهان عرب ثمره آن برای مردم تونس باشد.

بوریقه هم چنین مخالف دخالت مذهبیین در سیاست است، جای آنها را در مساجد و وظیفه شان را ارشاد مردم میدانند. او تونسی ها را در گرفتن

خود صرف نظر کنند، مگر آنکه قصد سرمایه گذاری در سایر رشته های بازرگانی و صنعتی کشور را داشته باشند. همین جریان نیز باعث شده تا جمعی با حفظ تابعیت خود در خارج از کشور اقامت کنند و سالی یکی دو بار از تونس دیدار بعمل آورند.

بوریقه نه فقط هیچگاه در جنگ های اعراب علیه اسرائیل دخالت نکرده بلکه یکبار در سال ۱۹۶۵ به اعراب توصیه کرد تا اسرائیل را بر سمیت بشناسند و از راه مذاکرات سیاسی با آن کشور به حل اختلافات پردازند و بار دیگر در سال ۱۹۷۳ اعلام کرد که منازعات اعراب و اسرائیل راه حل نظامی ندارد و خود حاضر شده بود بعنوان میانجی بین طرفهای درگیر آنها را بر سر میز مذاکره بنشانند.

نسل جوان مخالف: بن شیخی یکی از صاحبان مشاغل آزادی می گوید: تصویری کند تونس نیز روزی نظیر همسایگانش یعنی لیبی و الجزایر سیاستهای افراطی را در پیش گیرد معیناً یاد آور میشود که نسل جوان تونس که سن آنها پاییست ترازمی سال است و هفتاد درصد جمعیت آن کشور را تشکیل میدهند مخالف وابستگی تونس به امریکا و غرب اروپا است و علاقه مندی پیوستگی هر چه بیشتر با دنیای عرب است. سخنگوی دولت تونس می گوید: چریکهای فلسطینی که هنگام ورود به آن کشور مورد استقبال قرار گرفته اند و پس از خلع سلاح اجازه اقامت در تونس را یافته اند میهمانان موقت ما بشمار می آیند. وی اضافه می کند: اعراب و اسرائیل دیرباز و دیر بر سر میز مذاکره خواهند نشست و با اصلاحاتی در مرزهای سال ۱۹۶۷، فلسطینی ها بر سر زمین خود باز خواهند گشت. اما بیان این مطالب ترس و نگرانی یهودیان تونس را بر طرف نکرده است زیرا از تاریخ ورود چریکهای فلسطینی به تونس همواره انواع شعارهای ضدیهودی بصورت های مختلف بر دیوار شهرها آشکار گردیده است و بصورت های گوناگون آنان را مورد تهدید قرار داده اند.

د کتر جهانگیر جانفزا



متخصص در کایروپراکتیک

— طب سوزنی

معالجه دردهای عصبی، سردرد،
گردن درد، کمردرد، و صدمات ناشی
از تصادفات اتومبیل و سایر حوادث
بدون تجویز دارو.

بیمه های درمانی پذیرفته میشود

9301 Wilshire Blvd. Suite 611
Beverly Hills, Ca. 90210

تلفن ۲۴ ساعته ۸۵۹-۸۴۹۴ (۲۱۳)

د کتر داوید هذقیانوف



پزشک متخصص

جراحی ارتوپدیک، شکسته بندی
ارتورسکوپی (جراحی بدون شکافتن پوست)
و جراحی مفاصل و تعویض آنها
به مفاصل مصنوعی

4955 Van Nuys Blvd.
Sherman Oaks, Ca. 91403

Tel: (213) 789-6196

شرکت ساختمانی Sar-Ward و همکاران

State Lic. No. 426531

- طرح و اجرای ساختمان های مسکونی و تجاری
- اضافه نمودن زیر بنا، نوسازی و تعمیرات

طاق ۱۴ × ۱۲ فوت از ۴۹۰۰ دلار به بالا

ما کلیه ایده های شما را با قیمت های نازل و متناسب با بودجه شما طرح
و بمرحله اجرا در می آوریم.

بر آورد اولیه مجانی است تلفن ۹۲۷۳-۳۴۸ (۲۱۳)

د کتر موریس واحدی فر

دندانپزشک متخصص

از دانشگاه کالیفرنیا

باسابق تدریس و تجربه در دندانپزشکی
عمومی و ارتودنسی

12304 Santa Monica Blvd.

Suite 117

W.L.A. Ca. 90025

(213) 820-4328

د کتر ایساک یافائی

ISAC YAFAI, D.D.S.

دندانپزشک



با ۱۲ سال سابقه

مطب واقع در ولی

16661 Ventura Blvd. Suite 215
Encino, Ca. 91436

Tel: (213) 906-8343

«بیمه های درمانی پذیرفته میشود»

روزه ظرف ایام مبارک رمضان آزاد گذاشته
اماتا کید کرده است، که انجام مراسم روزه داری
نباید موجب توقف کارها مخصوصاً در صنایع
وزراعت و سایر امور تولیدی گردد. جالب آنکه
در ایام روزه داری تمام کافه رستوران های تونس
بازاست و از مشتریان بدون بروز هیچ گونه
مخالفتی از طرف مذهبیون پذیرائی بعمل میآید.

مهمانان تازه وارد: از زمان حوادث چندماه
گذشته لبنان و سپس ورود فلسطینی ها به تونس
نوعی نگرانی رهبران آن کشور را فرا گرفته و این
سوال کبراراً بین آنها پیش آمده است که آیا نتایج
حاصله رابدرستی مورد بررسی و ارزیابی قرار داده
اند؟ دولت مرکز ستاد عرفات راهتلی واقع در ۲۵
کیلومتری جنوب پایتخت قرارداد و موجب شده
است تا عده ای از هواخواهان شان همه روزه
با آنها در تماس باشند و ورود
فلسطینی ها به تونس که بتوصیه
امریکا و کمک مالی عربستان سعودی صورت
گرفت، این سوال را پیش آورده است که تا چه
مدت می توان آنها را در تونس مهار کرد
و در اختیار داشت؟ چریکها در بیروت عادت به
آزادی عمل بسیار داشتند و ترک آن عادت یقیناً به
آسانی برایشان میسر نیست، بهمین جهت عده ای
معتقدند که آنها تدریجاً نسل جوان کشور را که
آماده نافرمانی است بحرکت در می آورند.

ظاهراً با سرعرات اکنون به توصیه ها و نصایح
بورقیبه دوست قدیمی خود ایمان آورده است که
حل اختلافات با اسرائیل از طریق جنگ
و ستیز و ترو میسر نیست؛ بهمین علت نیز مرکز
ستاد خود را در تونس و نزدیک بورقیبه قرار داده
است. معهداً اکنون در تونس نه فقط نشانه
هاوشعارهای ضدیهودی و ضداسرائیلی بچشم می
خورد بلکه در هفته های اخیر تظاهرات آرامی
نیز جلوسفارت امریکا صورت گرفت و سندیکای
صنایع تونس برای مدت نیم ساعت اعلام
اعتصاب کرد. باتمام این اوصاف طرفداران
بورقیبه می گویند: اعراب درگیر با اسرائیل پس
از گذشت هفده سال به توصیه های رهبر
دوران پیش تونس ایمان آورده اند و تصمیمات
کنفرانس فذ را بدون هیچ گونه تردید نشانه هایی
از توجه اعراب به نظریات او بشمار می آورند.

با وجود این تصمیم باقیمانده یهودیان تونس به
ترک آن کشور تقریباً قطعی است و با اینکه
فرزندان شان وسط سال تحصیلی اند ترجیح میدهند
آنان را زودتر بفرانسه بفرستند و سپس خود به
آنها ملحق شوند. عده ای نیز ظرف چند هفته
گذشته بطور موقت و نگران از رویدادهای آینده
زادگاه خود را بانوعی دلتنگی ترک کرده راهی
فرانسه یا سایر کشورهای غربی شدند ■

RAFI'S MARKET

فروشگاه رفیع

فروشگاهی است جدید با بهترین فرآورده های ایرانی

● انواع محصولات داخلی

● بهترین میوه و سبزیجات

● محصولات کاشرو «امپایر»

دیدار از فروشگاه فرصتی است برای ارزیابی قیمت ها با سایر فروشگاه ها و
برخورداری از حراج های هفتگی

متصدیان فروشگاه مقدم شمارا گرامی میدارد

1110 S. LA CIENEGA BLVD.
LOS ANGELES, CA. 90035

TEL: (213) 657-6570
657-6572

۱۱۱۰ لاسینه گای جنوبی (بین بلوار المپیک و پیکو)
یک بلاک پایین تراز شومینه دارای پارکینگ اختصاصی
تلفن ۶۵۷-۶۵۷۰ و ۶۵۷-۶۵۷۲

דפית

انجام همه گونه خدمات
طرح و چاپ

بزبان عبری وانگلیسی از قبیل:

سرنامه، مهر، کارت ویزیت،
کارت عروسی، لوگو، دعوتنامه،
پاکت و آگهی تبلیغاتی.

DAPEI ZAHAV
ناشر دفتر تلفن اسرائیلی در جنوب کالیفرنیا

نازلترین قیمت و در اسرع وقت

DAPEI ZAHAV
(213) 789-9902

دفتر خدمات بیمه خوبیان - اسحاقیان

راهنمای صدیق شما در کلیه امور بیمه

16055 Ventura Blvd., Suite 600
Encino, Ca. 91436

(۲۱۳) ۹۸۶-۵۲۰۰

CAFE CHANTILLY

شعبه قنادی VILLAGE PATISSERIE گنددل افتخار دارد افتتاحیه خود را
به عموم هموطنان عزیز اعلام دارد.

پیراشکی معروف
خسروی تهران

بهترین شیرینی های تروخشک ایرانی و...

سفارشات کیک عروسی و تولد با تزئینات دلخواه شما با تحویل در محل پذیرفته میشود
و عده شما با دوستان در کافه قنادی شانتیلی سانتامونیکا

727 BROADWAY, SANTA MONICA
CORNER OF LINCOLN AND BROADWAY
TEL: (213) 395-1554

روبروی پارکینگ SAFEWAY

و فرزند، تضعیف نیروی ابتکار و کم کردن توانایی بازگویی افکار بطور منطقی و احساسات بطور واقعی. تلویزیون بچه هارا از حقیقت دور می کند بلکه حقیقت زندگی آنان می شود، زنده تر از دنیایی که سعی در توصیف آن دارد.

نشانه های اعتیاد

باجواب به چندسوال ساده می توان این موضوع را روشن کرد. آیا بچه ها بلافاصله بعد از رسیدن به خانه تلویزیون را روشن می کنند؟ آیا بیش از هفته ای ۱۰ ساعت تلویزیون تماشا می کنند؟ آیا تمرکز فکری آنان، مانند فاصله زمانی بین آگهی های تبلیغاتی، به تکه های هفت دقیقه ای تقسیم شده است؟ آیا خود را بیشتر به شخصیت های تلویزیونی نزدیک می داند تا به افراد خانواده؟ البته همین علایم در پدر و مادرها هم دیده می شود، باین تفاوت که بزرگترها براحتی می توانند روی این اعتیاد راسر پوش بگذارند و خود را فریب دهند. کسانی که به تلویزیون معتاد هستند، مانند معتادان به مشروب، همیشه این وابستگی را ناچیزی شمارند.

ترک اعتیاد

راه ترک اعتیاد تلویزیون مانند شیوه های معمولی لاغر شدن است: کمتر مصرف کردن. اولین قدم باید بوسیله خود شخص برداشته شود و با کمک یک برنامه ریزی ساده دنبال شود. به این ترتیب طی هفته اول، صورتی از تمام برنامه هایی که تماشا می کنید تنظیم کنید. بسیاری از شما از جمع ساعاتی که در آخر پیدا خواهید کرد متعجب خواهید شد. هفته دوم، یادقت و وسواس، برنامه هارا انتخاب کنید و دلیل آنرا مشخص نمایید. هفته سوم، ساعات تماشای تلویزیون را کم کنید و اگر بیش از یک دستگاه تلویزیون در خانه دارید، فقط از یک عدد آن ها استفاده کنید. بیش از یک ساعت از وقت عصر و شب خود را به تلویزیون اختصاص ندهید و با افراد خانواده خود در مورد انتخاب آن صحبت کنید. هفته چهارم تلویزیون را ببندید!

طبق بررسی هایی که در این زمینه بعمل آمده است والدین مشکل تر از فرزندان خود تلویزیون را ترک می کنند. شاید به این دلیل که بسیاری از معتادان تلویزیون، بعد از ترک اعتیاد، نمی دانند چگونه از ساعات آزاد خود استفاده کنند و نمی توانند حداکثر استفاده را از اوقات خود ببرند. برای این اشخاص، زندگی بدون تلویزیون خسته کننده و ملال آور است.

از طرف دیگر، ترک تلویزیون به تنهایی باعث بهتر شدن نمرات تحصیلات نمی شود. در واقع، تماشای متعادل تلویزیون همراه با انتخاب صحیح برنامه ها، می تواند باعث ازدیاد نیروی ادراک و فهم بچه ها نیز بشود. اما، همانطور که گفته شد، تلویزیون تماشاگران خود را وابسته به «چیزی» می کند که واقعی نیست و برای پیوستن به دنیای واقعی باید از آن جدا شد. بدون شک، در این مورد ترک اعتیاد نه تنها موجب مرض نیست بلکه صدر صد به نفع معتاد نیز هست.

از: مجله تایم
ترجمه: مرگان رفائیل زاده



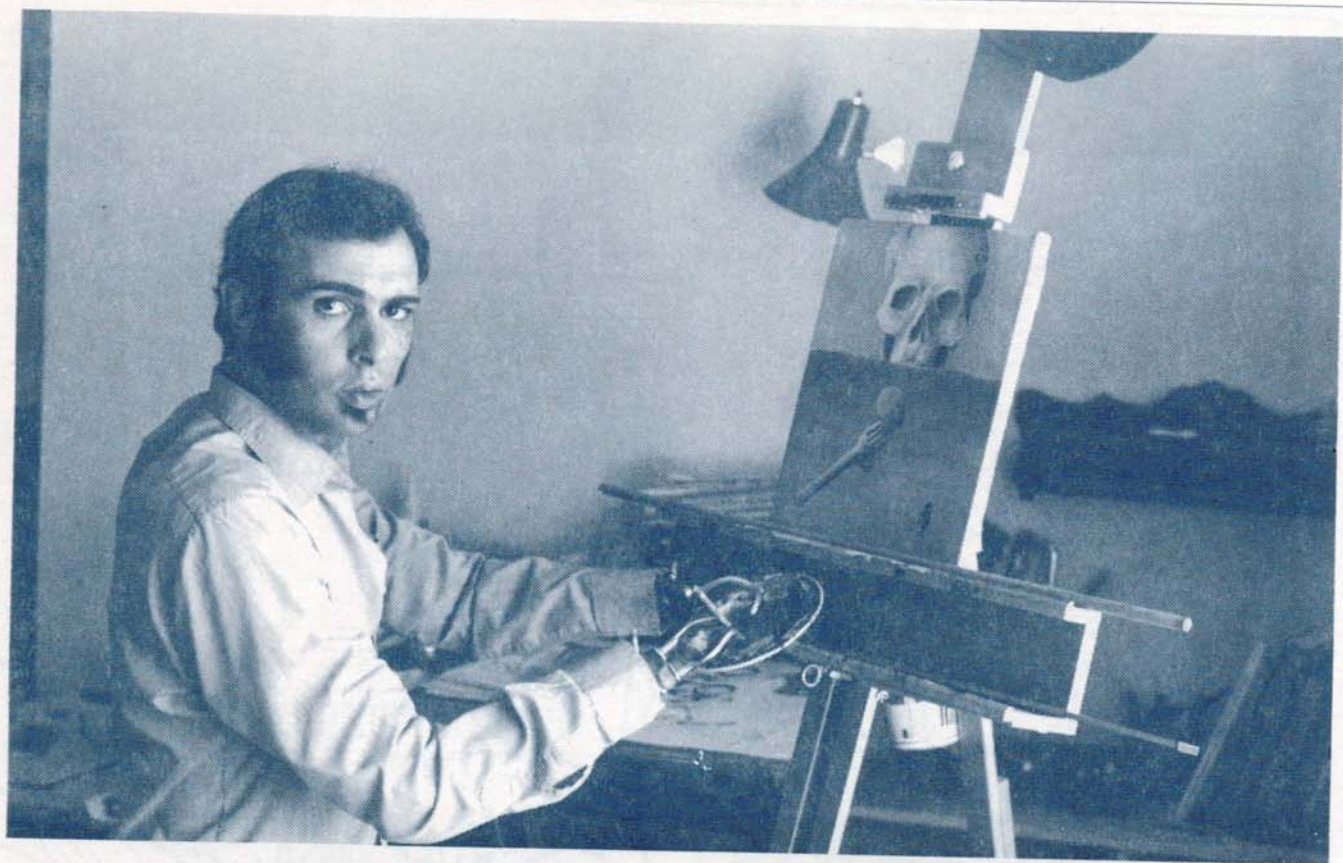
بسرعت قابل رؤیت و خطرات آن مهلک است. تماشای تلویزیون، پس از خواب، مهمترین ساعات روز یک کودک امریکایی را تشکیل می دهد. یک امریکایی متوسط، چه بزرگ و چه کوچک، بیش از ۶ ساعت از روز خود را به تلویزیون اختصاص می دهد. قبل از چهارده سالگی، یک کودک شاهد ۱۱ هزار قتل و حدود ۳۵۰ هزار آگهی تبلیغاتی است. جالب اینجاست که یک سوم این بچه ها تلویزیون را حتی به پدر خود نیز ترجیح می دهند!

تأثیر تماشای تلویزیون

اثرات تلویزیون روی بچه ها بسیار واضح است: وجود رابطه مستقیم بین بالا رفتن ساعات تماشای تلویزیون و پایین آمدن ساعات درس خواندن. وجود رابطه مستقیم بین خشونت در تلویزیون و ناهنجاری رفتاری در بچه ها و نمونه از آن است. اما شاید خطر بزرگتر تلویزیون بیشتر در جلوگیری از بروز برخی رفتارها است تا در بوجود آوردن آن ها. بعنوان مثال از بین بردن ارتباط بین پدر و مادر

- تماشای تلویزیون اعتیاد همه گیر امریکایی
- ابتکاری ترین شیوه های ترک اعتیاد تلویزیون

● تلویزیون رنگی با صفحه عظیم شیشه ای و کلیدهای بزرگ و کوچک، وسط اتاق قرار داشت. در مقابل آن یک دوچین بچه چهارساله بصورت نیم دایره حلقه زده بودند و با چشم های گشاد و دهان های باز با نهایت دقت به آن خیره شده بودند. آنگاه سه مرد وارد اتاق شدند، تلویزیون را پشت و آگهی گذاشتند و راه افتادند: وقتی اتومبیل باتلویزیون حرکت کرد، بچه ها به طرف حصار سیمی دویدند و در حالیکه دست هارا تکان می دادند دادند: «بای بای مستر تی.وی! بای بای!» این اتفاق که اخیراً در یکی از کودکان های لوس آنجلس روی داد، تخیلی نیست بلکه یک واقعه هشدار دهنده است: اعتیاد به تلویزیون - علائم آن



رپرتاژ ماه
از: هومن

مرازیرور و کند همانطور که کردولی بگونه ای مثبت و بطرف موفقیت و پیروزی. وقتی زخمهایم بهبود یافت تصمیم گرفتم بریدگیهای عمیق روی چهره و فقدان دستهایم را فراموش کنم و براه خودم ادامه دهم.»

هنرمندی در هالیوود:

امروز آرون بیست و چهار سال دارد و مثل بسیاری دیگر از هنرمندان مجرد و جوان که در هالیوود زندگی خاصی رامیگذرانند ساعات پرهیجان و شلوغی را کنار دوستان هنرمندش دارد. در هر گوشه استودیوی کوچک وی نشانه حیات و شور و زندگی است: یک دستگاه جاز بزرگ، تعدادی بشماره تابلوی نقاشی، کلکسیون از کلاه و وسایل و ابزار مختلف اتومبیل رانی و مقدار زیادی کتاب و مجله نوشته و طرح.

به زندگی خود خور کرده است، همه کارهایش را شخصاً انجام میدهد و دو چنگ آهنی که به بازوانش نصب شده اند بخوبی از او فرمان میبرند. در سال ۱۹۷۹ هنگامیکه آرون داوطلبانه در ارتش اسرائیل ثبت نام کرد تا بعنوان خلبان جنگی خدمت کند تقاضایش رد شد. وی بناچار موشن راد کرد تا شانس خود را در نقطه ای دیگر بیازماید. در بالتیمور، همزمان با ثبت نام در انستیتوی هنرهای زیبای مریل به سازمان هواپیمایی فدرال نیز مراجعه کرد و این بار موفق شد شانس

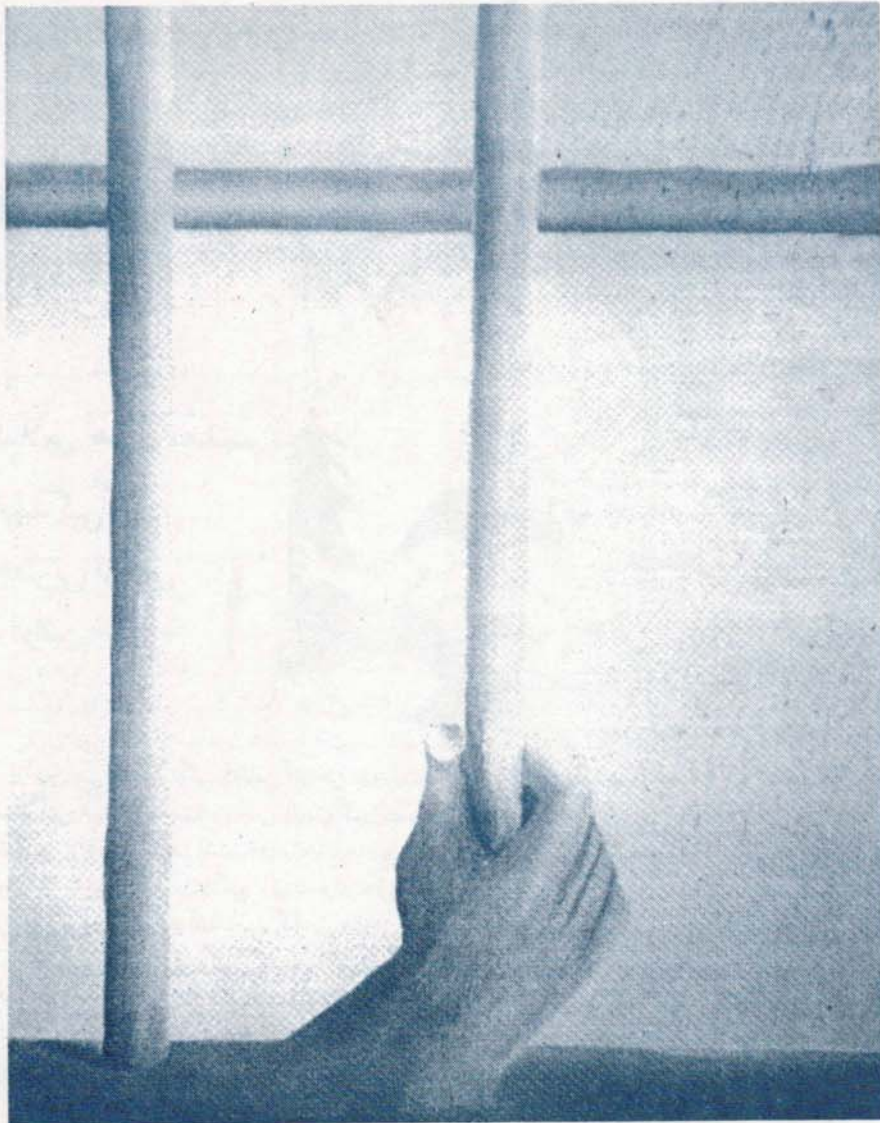
● بسیاری از مردم وقتی به آرون برمیخورند دلشان میسوزد، ناراحت میشوند و یاتاسف میخورند. آرون نمیتواند این واکنش ها را حس کند. میگوید: «وقتی در یک حادثه بمب گذاری فلسطینی هاد رکیبوتص محل زندگی در حوالی تل آویو دستهایم قطع شد سیزده سال بیشتر نداشتم و این حادثه میتواندست زندگی

«آرون هاد» یک خلبان است، یک راننده اتومبیل های مسابقه، یک نوازنده جاز و یک نقاش با احساس، معجونی از کارآیی ها و هنرهایی که از یک انسان بدون دست باور نکردنی است.

آرون هاد

هنرمندی با دستهای آهنین واراده ای آهنین تر

آنچه این معلول جنگی اسرائیلی انجام میدهد
برای بسیاری از سالم ها یک رویاست.



نمونه بی ازکارهای آرون هاد

احساسم را روی بوم نقاشی می‌آورم و این رسالت یک هنرمند است.» می‌گوید: «اجازه نمیدهم مردم فکرکنند که دارم گولشان می‌زنم. اولین استنباط دیگران ازتومهمترین آنست پس باید همیشه خودت باشی: طبیعی و صادق.»

در این زمینه انسان موفق است. ازجوابهایی که میدهد آشکاراست که طبیعی و صادق رفتار میکند: «نه، موقعی که جازمی زنم چوب ازچنگک هایم نمی‌افتد!» «بله، فکر میکنم هرکاری آدمهای دست دار میتوانند انجام بدهند من هم قادرم بکنم!» «بالاخره یک روزگیتارهم می‌زنم!» «نه، ازاینکه راجع به حادثه انفجار بمب حرف بزنی ناراحت نمیشوم!» «بله، اگر آشنایان تازه ناراحت نشوند دوست دارم موقع آشنایی با آنها دست بدهم... چنگک بدهم!» «بامن تماس بگیرد شماره تلفنم ۰۳۱۶-۷۶۲ است و ایرانیها دوست دارم.»

سایرین موثر می‌داند، برای خودنقاشی کردن رانوعی روان درمانی بشمارمی‌آورد. کارهای نقاشی «آرون هاد» چهره و یاجنبه دیگر اورانشان می‌دهند. برخلاف طبیعت شاد، مثبت، امیدوار و اعتماد بنفوس محسوسی که خودنقاش در بیننده القاء میکند، نقاشی‌های سوررئالیستی اش نمونه‌هایی از واقعیت تلخ زندگی آنگونه که احساس میکند هستند. دنیای نقاشی اودنیای میله‌های آهنی، پنجره‌های بسته و فضای دودزده و غم گرفته پشت آنها، ساعت‌های ازکار افتاده، اسکلت‌های خسته و افسرده و جاده‌های بی انتها و دهلیزهای تاریک است.

می‌گوید: «این زندگی است، همه زندگی هم خوب و شیرین نیست. بسیاری از هنرمندان کارهایی را خلق میکنند که مردم دوست دارند ببینند تا شاید بهتر فروش کنند. من اینطور نیستم. من نمیتوانم گل و گیاه و باغ و بوستان بکشم. من

خود را نمیتوانم خلبان بیازماید. چهل و پنج ساعت پرواز آموزشی از آرون هاد اولین خلبان با گواهینامه ولی بدون دست امریکارا ساخت. طعم این موفقیت پس از سالها تحمل رنج معلولیت، شعله‌های عشق به پیروزی بیشتر را در دل نقاش جوان روشن کرد. اینبار بسوی اتومبیل‌های مسابقه و سرعت رفت و موفق شد در اولین مسابقه اتومبیل‌رانی نیز شرکت کند و نفر هفتم شود.

پرواز بسوی لوس آنجلس:

«در طول این مدت تابلوهای نقاشی زیادی فروختم و پول نسبتاً قابل توجهی جمع‌آوری کردم. با پس‌انداز خود یک هواپیمای کوچک خریدم و بطرف لوس آنجلس پرواز کردم تا شانسم را در این شهر که محل پرورش استعداد های هنری است آزمایش کنم.»

سی ساعت بعد از خرید هواپیما، آرون به لوس آنجلس رسید، هواپیما فروخت، آپارتمانی در شمال هالیوود کرایه کرد و برای خرید یک دستگاه جاز و اتومبیل مسابقه در خیابانها براه افتاد. از آن روز تقریباً یکسال میگذرد. آرون تابحال چندین نمایشگاه نقاشی از آثار خود را در لوس آنجلس به نمایش گذاشته است. یک موسسه ضبط نوار ویدئو براه انداخته است و همچنان به اتومبیل سواری و خلبانی و نواختن طبل ادامه میدهد. می‌گوید: «من اول یک نقاشم، بعد یک خلبان، بعد راننده اتومبیل‌های مسابقه و در آخر همه یک موسیقیدان.»

یک انسان نمونه:

هر چه از استعداد های هنری خود با غرور صحبت میکند، درباره خصوصیات بارز انسانی و نیروی اراده و قدرت تحمل و درک خود متواضعانه سکوت میکند. از روزی که آرون به امریکا آمد و در طول اقامتش در بالتیمور مدت دو سال بعنوان یک مددکار داوطلب و افتخاری در بیمارستانها به ملاقات بیماران میرفت و با آنها به صحبت می‌نشست. «دلم میخواهد بهمه بفهمانم که معلول بودن، بیمار بودن و یا ناتوانی جسمی داشتن نقطه پایان زندگی نیست. اصرار دارم به همه بگویم اگر من توانستم و موفق شدم شما هم میتوانید!»

و در مقابل این خدمت تنه‌پاداشی را که انتظار میکشد اینست که اگر شده یکنفر او را سرمشق قرار دهد و بگوید: «آرون، تو نمونه خوبی برای من هستی.»

نقاشی، نوعی روان درمانی:

آرون در حالیکه این نوع روان درمانی را برای

پدر و مادرها هم بخوانند

نوجوانان وراندگی

کلاس های تعلیم رانندگی و خطر بی توجهی به قوانین



است که تمام مدارس حرفه ای آموزش رانندگی دارای پروانه هستند و مرتباً مورد بازرسی قرار می گیرند ولی باید قبول داشت که از لحاظ کیفیت تفاوت فاحشی بین آنها وجود دارد. برای اینکه تصمیم درستی در این مورد گرفته شود باید به چند نکته توجه داشته باشید:

۱- قبل از مراجعه به یک مدرسه با کسانی که در آنجا تعلیم دیده اند مشورت کنید. هر مدرسه معتبر با کمال میل نام چند تن از مراجعان قبلی خود را در اختیار شما خواهد گذاشت. با این کار می توانید مدارس خوب را برحسب پیدا کنید.

۲- از معلمین مدرسه در مورد نحوه تدریس و موضوع درس سوال کنید. مطمئن باشید که مسائل مهم از قبیل خط عوض کردن، ورود و خروج به اتوبان، چشمک زدن، استفاده درست از چراغ و آئینه ها... در کلاس مطرح خواهد شد.

۳- اتومبیلی که مورد استفاده فرزندتان قرار می گیرد را امتحان کنید (ترمز، کمر بند ایمنی، آئینه ها...) همچنین بدنه ماشین را معاینه کنید. اگر زیاد زخمی باشد نشانه بی توجهی مربیان است.

۴- هر بار پس از اتمام شدن کلاس از فرزند خود درباره کلاس ها و کارایی مربی سوال کنید ■

1. Driver Education
2. Permit to Drive
3. Behind-the-Wheel Driver Training
4. Driving Schools

حال اگر پدر و مادری تصمیم به فرستادن فرزند خود به این کلاس های آموزش رانندگی بگیرد، باز مشکلاتی بر سر راه آنان وجود دارد. از طرفی مخارج این کلاس ها تماماً بردوش پدر و مادر است و باید بودجه ای حدود ۱۲۰ تا ۱۸۰ دلار فقط برای تمرین رانندگی (بدون آموزش آئین نامه) در نظر گرفته شود. از طرف دیگر، انتخاب مدرسه ای قابل اطمینان و معلمانی که بتوانند به نحو احسن به فرزند نوجوانشان پیچ و خم رانندگی را یاد بدهند نیز کار آسانی نیست. درست

● از آنجایی که زندگی در لوس آنجلس بدون رانندگی میسر نیست، یکی از بزرگترین مشکلات پدر و مادرها اشتیاق و شاید احتیاج نوجوانان به یاد گرفتن رانندگی باشد. برای حل این مشکل، تنها راه آشنائی کامل والدین و نوجوانان به قوانین رانندگی برای اشخاص زیر ۱۸ سال است. برای کسب تصدیق رانندگی ایالت کالیفرنیا نوجوانان ۱۵ تا ۱۸ ساله باید دو دوره مختلف راضی کنند:

— آموزش آئین نامه ۱ — ۳۰ ساعت کلاس

درس تئوری برای آشنائی به قوانین رانندگی. پس از اتمام این دوره به نوجوانان جواز رانندگی^۲ می دهند که به او اجازه می دهد برای مدت یکسال (تا ۱۶ سالگی) در کنار یک راننده ۲۱ ساله بیایا که تصدیق ایالت کالیفرنیا را دارد رانندگی کند.

— تمرین رانندگی ۲ — ۶ ساعت رانندگی

با معلم رسمی.

بدین منظور، کلاس های متعدد آموزش رانندگی^۴ در آمریکا وجود آمده است. تحقیقات فراوانی که در مورد این کلاس ها به عمل آمده، نمی تواند با قاطعیت ثابت کند جوانانی که به آنان مراجعه می کنند بهتر از سایرین رانندگی می کنند. ولی واضح است که یک راننده دوره دیده مسلماً به قوانین آشنا تر خواهد بود. شاید اشکال این تحقیقات نادیده گرفتن چند اصل مهم باشد. بعنوان مثال، تمرین رانندگی بیشتر در ساعات روز انجام می شود، در حالیکه بیشتر تصادفاتی که جوانان باعث آن هستند بین ساعت ۸ شب و یک با مدام صورت می گیرد.

اولین نمایشگاه هنری جوانان

دوستان جوان هنرمند

هنوز فرصت دارید که برای شرکت در اولین نمایشگاه هنری (نقاشی - طراحی - گرافیک - خط و مجسمه سازی) که بزودی برپا می شود نام نویسی کنید.

از دوستان هنرمند تقاضای کنیم آثار خود را به آقای جیکوب شبتای سرپرست این برنامه تحویل دهند.

لطفاً برای کسب اطلاعات بیشتر با تلفن های ۱۱۰۰-۶۵۷ و ۱۶۳۳-۶۵۷ تماس بگیرید.



ترجمه: دکتر باروخ بروخیم

یهودیان فراموش شده اتیوپی

● بازماندگان قبیله
فالاشا تحت فشار مقامات
دولتی اتیوپی زندگی
فلاکت باری می گذرانند.

● از یک میلیون فالاشای
قرن دهم تنها بیست وهشت
هزار نفر باقی مانده اند.

● یک گروه امریکایی مرکب ازدوازه نفر یهودی امریکایی در ماه اکتبر ۱۹۸۱ برای بازدید از قبیله فالاشا به اتیوپی عزیمت نمودند. خانم باربارا گائین یکی از این ۱۲ نفر پس از بازگشت نقطه نظرهای خود را برای مجله بولتن چنین تشریح می کند: دنیا باید از آنچه که من از بازماندگان این قبیله دیدم و شنیدم آگاه شود. از یک میلیون جمعیت یهودی «فالاشا» که در قرن دهم در اتیوپی مستقل و مقتدر زندگی می کردند امروز بیست وهشت هزار نفر باقیمانده است که در نهایت فقر و مسکنت ایام را بسر می برند. این عده تصور یزنده یک سلسله جنگ های داخلی، آنتی سمی تیسیم، ظلم و ستم و تغییر اجباری مذهب و تبعیضات نژادی و مذهبی هستند. این عده با وجود تمام ستم هایی که به آنها روا شده هنوز به آیین یهودیت پایدار مانده اند و به امید بازگشت به سرزمین اجدادی خود در اسرائیل این زندگی تلخ و دشوار را تحمل می کنند. پس از انقلاب ۱۹۷۴ دولت اتیوپی مرزهای کشور را بر روی سیاحان بست ولی سال

گذشته با مملغی شدن این قانون بار بار توانست بایک تور ۱۲ نفری که توسط «فدراسیون یهودیان لوس آنجلس» تشکیل داده شد باین دیار مسافرت نماید. آنچه بیش از همه موجب تعجب سیاحان مزبور را فراهم کرد این بود که وزارت جلب سیاحان اتیوپی جزوه ای در باره قبیله «فالاشا» در اختیار این گروه گذاشت و آنان را برای بازدید از این ناحیه تاریخی و تشویق نمود تا با اشتیاق تمام برای دیدن همکیشان یهودی خود آماده مسافرت بدانجا شوند. بار بار می نویسد:

مقامات دولتی قبل از رسیدن ما به اتیوپی ما را از قوانین و مقررات مخصوص «فالاشا» مطلع ساختند و متذکر شدند که طبق قوانین و مقرراتی که منحصرأ در مورد فالاشا هاصداق است باید از صحبت کردن، سوال کردن، نوشتن، لمس کردن، هم غذا شدن با آنها اجتناب کنیم. مخصوصاً در مورد دولت اسرائیل بهیچ وجه نباید صحبتی بمیان آید، نامه ای از آنها دریافت نشود، بعلاوه بهتر است بدانید که هر فرد امریکایی در اینجا یک عامل سیاتلقی می شود.

هنگامیکه از فرودگاه بسنت هتل در حرکت بودم و از خیابان های آدیس آبابا عبور می کردم عکس های لنین و انگلس و مارکس بر در و دیوار جلب توجه می کرد و پرچم داس و چکش در همه جا دیده می شد. پس از رسیدن به هتل سعی کردم با عده ای از فالاشا تماس بگیرم ولی آنها از هرگونه تماس با ما خودداری کردند و حاضر نشدند به سوالات ما جواب بدهند و آرام راه خود را گرفته دور می شدند: آنها از خطرات تماس با خارجیان مطلع بودند. اگر در آدیس آبابا پایتخت مملکت که احتمال وجود آزادی بیشتر می رود وضع بدین منوال باشد واضح است که وضع ناحیه «گنداد» که اکثریت فالاشاها را در خود جای داده است از چه قرار خواهد بود.

روزهای بعد گروه با وضع ناگواری رو برو شد. هنگام تماس با فرمانداری گنداد معلوم شد که راه هایی که به محل سکونت فالاشاها منتهی می شود مسدود گشته اند و در پی اقدامات امنیتی شدید حق تماس با خارجیان ممنوع اعلام شده است. در این حال متوجه شدیم که یگانه راه تماس با فالاشاها درخواست کمک از مقامات بین المللی است که آنها متاسفانه موثر واقع نشد. معذبا اطلاعاتی که در این زمینه بدست آوردیم معلوم شد که از ماه جولای ۱۹۸۱ فالاشاها از گرفتن آذوقه، دوا، یا فرستادن بچه هایشان به مدرسه منع شده بودند. تعدادی از معلمین یهودی و رهبران مذهبی آنها متهم به همکاری با سیا و صهیونیست ها گشته و زندانی

شده بودند. پس از یک سلسله اقدامات بما اطلاع داده شد که گروه می تواند از یک ده فالاشاها که در ناحیه ای دور افتاده قرار گرفته و برای رسیدن به آنجا سه روز راه پیمایی با قاطر و اسب لازم است بازدید کنند. بدین منظور ابتدا از آدیس آبابا به بهردار پرواز کردیم و از آنجا با قاطر و اسب با تحمل زحمت فراوان پس از سه روز راه پیمایی و عبور از کوه های صعب العبور سمین خود را به ده مزبور رساندیم.

وقتی به کنیسیای دهکده رسیدیم با احساسات پرشوری رو برو شدیم. ما اولین خارجی هایی بودیم که پس از ۶ سال قدم به این ناحیه می گذاشت. ۶ سال قبل یک خارجی از این ناحیه دیدن کرده و پس از گرفتن تعدادی عکس از فالاشاها از آنجا رفته بود. خیلی زود دریافتیم که این بازدید هیچگاه قادر نیست درد و آلام این بخت برگشتگان را تسلی بخشد. شنیده بودیم تعدادی از فالاشاها برای رهایی خود از این زندگی نکتب بار قصد فرار از مملکت را داشته اند که متاسفانه موفق نشده و زندانی می شوند. در جواب سوال ما که آیا صحیح است که همگی مایلید به اسرائیل مسافرت کنید تمام حاضرین بله گویان اظهار امیدواری کردند که خدا کند این موضوع جامه عمل بپوشد.

آخرین صبحی که در آدیس آبابا بودیم از فرودگاه آنجا دیدن کردیم و با منظره ای فراموش نشدنی مواجه شدیم: تعدادی فالاشا در پشت بام های ساختمان های فرودگاه جمع شده ناظر پرواز هواپیمای حامل ما بودند. در آن هنگام چشمانم پر از اشک شد و فکر کردم که چگونه ستم بر این قوم رفته و هنوز هم می رود و سازمان های بین المللی هم بهیچوجه در فکر چاره جویی نیستند.

راستی بیائید برای چند دقیقه حب و بغض را کنار بگذاریم و به بینیم تا چه وقت در این دنیا قانون جنگل باید حکم فرما باشد؟ بار بار معتقد است که مسئولیت عظیم رسیدگی به وضع فالاشاها متوجه اسرائیل و یهودیان امریکایی شمالی است تا هر چه زودتر بوضع این بینوایان رسیدگی شود و چاره ای یافته گردد. گروه مذکور در مدت یک هفته که در اسرائیل اقامت گزید با مقامات مسئول اسرائیلی تماس گرفت و آنان را از وضع نابسامان فالاشاها مطلع ساخت و در مورد چگونگی کمک به آنان که در کمپ های پناهندگان در خارج اتیوپی بسر می برند به بحث و گفتگو پرداخت. قرار شد گروه مذکور در مراجعت به امریکانسیب به سرنوشت غم انگیز این آوارگان اقداماتی معمول دارد تا بلکه بتوان الام این بیچارگان را تسکین داد و مرحمی بر جراحات آنان گذاشت ■

سرزمین موعود رسید تعداد یهودیان آن جادر حدود بیست و پنج هزارتن بودند که به یکی از سه زبان عربی، ایدیش (زبان یهودیان اروپای غربی) ولادینو (لهجه یهودیان اسپانیا) سخن می گفتند.

اولین نوزاد:

درست صدسال پیش در ماه اگوست ۱۸۸۲، دیورا در اورشلیم فرزند پسری بدنیا آورد که بن یهودانام بن صیون ۴ را برایش برگزید و اعلام کرد که این اولین نوزادی است که از زمان امپراطوری روم به بعد زبان عبری را بعنوان زبان مادری فرا خواهد گرفت. سخن گفتن و محاوره بایک نوزاد به زبانی که تنها مرجعش عهد عتیق و کتب مذهبی بود کار آسانی بنظر نمی رسید. بن یهودا هر روز کلمه یا کلمات تازه ای ابداع می کرد: بوبا (عروسک)، گلیدا (بستنی)، سیم خاتا (دستمال) و... هنگامیکه تعداد علاقه مندان به فراگیری این زبان زیادتر شدند و به یازده تن رسیدند همگی مجبور بودند فقط به زبانی که بن یهودا بتنهایی سعی در زنده ساختنش می کرد سخن بگویند.

مخالفت ها:

«دولابن یهودا ویت من» ه دختر کوچک بن یهودا که اکنون هفتاد و پنج سال دارد بیاد می آورد که: «بعضی مواقع بچه های دیگر که زبان من و خواهر و برادرانم رانمی فهمیدند به سخنان ما گوش می دادند ما را مسخره می کردند.» تمسخر اول کار بود. ربای های متعصب اهتمام و کوشش بن یهودا را تقبیح کردند و از اینکه او زبان مقدس را مورد بی احترامی قرار داده است سرزنش نمودند. برخی از متعصبان که دیدند بن یهودا با سگ خانگیش عبری حرف میزند شبانه سگش را زدند و کشتند. مخالفت ها بصورت های دیگری هم جلوه گر شدند: مهاجرانی که سالها به زبان ایدیش سخن گفته بودند و امیدوار بودند این زبان را رایج سازند در مقابل فراگیری عبری جدید مقاومت می کردند. حتی تئودور هرتزل رهبر صیونیست هاتبلیغات و کوشش بن یهودا را بی فایده و غیر عملی خواند.

مقاومت و پشتکار:

ولی بن - یهودا هرگز مأیوس نشد. در سال ۱۸۸۳ اولین روزنامه به زبان عبری را در اورشلیم منتشر کرد و در سال ۱۸۸۹ اولین

ناگهان در مقابل چشمانم جان گرفت

چگونه یک دانشجوی ساده روسی زبان عبری باستان را به زبانی زنده تبدیل کرد

یکصدمین سالگرد تولد اولین نوزادی که زبان مادرش عبری بود.



الیازار بن - یهودا

نیروی استفاده روزمره این زبان بکلی مستهلک شده بود.

ولی بناگهان افکار الیازار، دانشجوی پرشور همه این سکون را بهم ریخت. وی ابتدای خود را تغییر داد و اسم «بن - یهودا» یعنی فرزند یهودا را برگزید. سپس در سن بیست و سه سالگی باتفاق همسرش «دبورا» به سرزمین فلسطین مستعمره آن زمان امپراطوری عثمانی مهاجرت کرد و در آن جا رحل اقامت افکند. امروز زبان عبری زبان مادری سه میلیون اسرائیلی است، ولی روزیکه بن - یهودا به

چون برخی از پیامبران عهد عتیق - حوزا - میکاویرمیا - الیازار پرلمن ۱ پیشگوی خوش بینی بود که تمام وجودش را یک فکر در بر گرفته بود. او حتی یکبار از لحظه ای صحبت کرد که گویی از آسمان بوی وحی شد: «ناگهان همه چیز در مقابل چشمانم جان گرفت، افکارم از روی بالکان پرواز کرد و به فلسطین رفت - حتی صدایی هم شنیدم: صدای تولد دیگر اسرائیلی و زبانش را در سرزمین اجدادی خود.»

یک دانشجوی ساده:

الیازار پرلمن که بود که دچار چنین الهامی شود و چنین فکری بکند؟ یک دانشجوی فقیر و ساده از اهالی شهر ویلنا ۲ در سواحل بالتیک؛ سرزمینی که امپراطوری روس خوانده میشد: سرزمین بوگروم. پرلمن به سه زبان روسی، فرانسه و آلمانی صحبت میکرد ولی زبانی که او را آفسون کرد زبان عبری تورات بود که از سن سه سالگی نزد خاخام محل فرا گرفته بود. از آن زمان که یهودیان از فلسطین تحت اشغال رومی هابرون رانده شدند (سال ۱۳۵ بعد از میلاد مسیح) زبان عبری بین این قوم تنها بعنوان یک زبان ادبی برای اجرای مراسم مذهبی و نماز بکار گرفته میشد. سالها بود که دیگر کسی بزبان عبری مکالمه نمیکرد و به همین جهت

استخدام

کارمندان رمان

آشنائی کم زبان انگلیسی و دارای

گواهینامه رانندگی

استخدام میشود.

تلفن ۷۴۸-۵۱۶۱ (۲۱۳)

**INNOVATIVE
FINANCIAL
GROUP**



برای گرفتن هرگونه وام های
اول و دوم با بهترین شرایط

**FIRST & SECOND
TRUST DEED**

با ژرژ تماس بگیرید.

(213) 990-6671

(213) 708-0999

C.P.A.

حسابدار قسم خورده ایرانی

الیزابت ارفع نیا



عضوانجمن حسابداران قسم خورده

آمریکا و کالیفرنیا

استاد حسابداری و قوانین مالیاتی

دردانشگاه کالیفرنیا

مشاور در امور سرمایه گذاری شرکتهای تجاری،
مالیات بردارند، ارث و دارائی

**Charles F. Ward
Certified Public Accountant**

3465 Torrance Blvd. Suite ۱
Torrance, Ca. 90503

تلفن ۱۳۷۷-۵۴۳۳ (۲۱۳)

قرار میگیرند تنها دوازده هزار واژه آن متعلق به
عبری باستان است. بن یهودا خود بتنهایی
هزاران کلمه جدید ابداع و با ترکیب
کرد و همکاران بی شمارش با تحقیق
و جستجو در کتب قدیمی هزاران واژه
دیگر بوجود آوردند. باین ترتیب واژه برق
در زبان عبری مشتق از کلمه برقی است که
حضرت اسحق در آسمان دید، گاراژ با قسمتی
از بنای کاخ سلیمان هم ریشه است و برای کلمه
تروریست همان نامی بکار گرفته میشود که
شغال های تاکستان غزل غزل های سلیمان
رامی خواندند. آکادمی زبان عبری در حال
حاضر چهل و پنج تن عضو دارد که به کمیته
های گوناگون تقسیم شده اند و در زمینه های
مختلف فعالیت میکنند. توصیه های این
گروه به دو بیست متخصص زبان شناس
فرهنگستان ارجاع داده میشود و پس از تأیید
آنها رسماً اعلام میگردد. این کار در برخی
موارد ممکن است سالها طول بکشد و عاقبت
هم لغت جدید مورد تأیید فرهنگستان
مورد اقبال عامه قرار نگیرد.

بعنوان مثال بن - یهودا برای تلفن لغت
ساکرا هوک راساخت که معنی مکالمه از راه
دور را میدهد ولی هیچکس از این لغت
استفاده نمی کند و از این نمونه دروازه های
علمی و پزشکی و تکنیکی بسیار یافت میشود.
از آنجا که در حال حاضر زبان عبری جدید بین
پانزده میلیون یهودی سراسر جهان یک زبان
مشترک بشمار میرود بکدست ساختن و صیقل
دادن آن کار ساده ای نیست. رئیس جمهور
اسرائیل «ایزک ناو» که ریاست کمیته
برگزاری صدمین سالگرد بزرگداشت بن
یهودا را عهده دار است در نطق افتتاحیه
خود ضمن قدردانی از زحمات بن یهودا مردم
عبری زبان را از پذیرش تسلط زبانهای
غیر عبرانی بر حذر داشت و توصیه کرد در مستقل
نگاه داشتن این زبان بیشتر بکوشند.
و اما خاطره بن یهودا در میان مردم عبری
زبان جهان همواره زنده و متجلی است.
در هر شهر اسرائیل خیابانی، مدرسه ای،
بیمارستانی، سازمانی و یا موسسه ای بنام
بن - یهودا وجود دارد. بدین ترتیب ملتی
قدردانی خود را از دانشجوی جوانی که رسالت
خود را نیکو به انجام رساند نشان میدهد.

- 1- Eliezer
- 2- Vilna
- 3- Ben-Yehuda
- 4- Ben-Zion
- 5- Dola Ben-Yehuda Wittman



یکی از خیابان های اورشلیم که بنام بن یهودا
نامیده شده است.

آکادمی زبان عبری رابن یان گذاشت. در سال
۱۹۰۹ اولین فرهنگ لغات عبری
را منتشر کرد. همین فرهنگ در سال ۱۹۵۹
به شانزده جلد رسید. در این میان بن
یهودا همیشه از همکاری و همراهی معلمان
و دبیران و مربیان سپاسگزار بود و میگفت: «این
گروه حرف مرایش از سایرین می فهمند چون
شوق آموزش بدایع و بکار گرفتن نیروی
ابتکار در وجود خلاقشان زیاد است.»

کمی بعد از مرگ بن یهودا در سال ۱۹۲۲،
مقامات مسئول انگلیسی طرح رسمی کردن
سه زبان عبری، عربی و انگلیسی را بعنوان
زبانهای رسمی فلسطین تصویب کردند.
هنگامیکه کشور اسرائیل در سال ۱۹۴۸
دوباره متولد شد زبان عبری جدید دوران
نوجوانی خود را میگذراند.

موفق ترین زنده سازی:

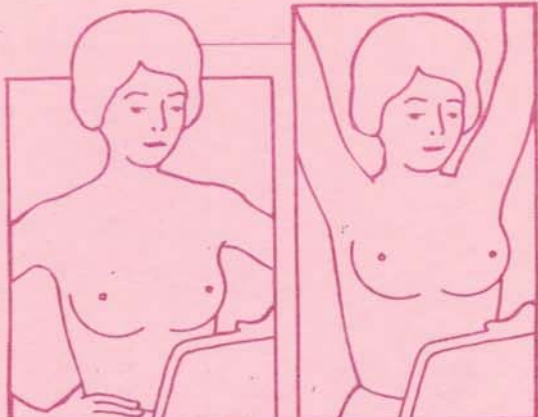
عبری مثل هر زبان زنده دیگر احتیاج به
صیقل و پیرایش و تسویه دارد. ناگفته
نماند که از نظر دانشمندان زبان شناس زنده
سازی زبان عبری موفق ترین نمونه بازسازی
یک زبان در قرن اخیر است. از صد هزار کلمه
عبری که در حال حاضر مورد استفاده

سرطان پستان

وراههای تشخیص زودرس

پزشکی

از: دکتر سعید حکیم - جراح



تصویر شماره ۳

تصویر شماره ۲

بینید. پس از آن دستها را روی باسن گذاشته و عضلات سینه ای را منقبض کنید و دقیقاً پستان ها را بررسی کنید (تصویرهای شماره ۲ و ۳).

نوم - در حالت دراز کشیده پس از قراردادن بالش بزر پشت: این امتحان مهمترین قسمت امتحان شخصی است. با کف انگشتان دست راست سینه چپ را معاینه کنید و کف انگشتان دست چپ سینه راست را بررسی میکند (تصویر شماره ۴).



تصویر شماره ۴

در موقع امتحان پستان راست دست راست بایستی بحالت کشیده بالای سرفرا گیرد و بالعکس تا عضلات سینه ای کشیده شده و پستان دقیق ترماتحان شود. این بررسی در اوایل هر پستان و در ۲-۳ مدار مختلف انجام میشود تا هیچ نقطه ای از سینه بدون بررسی نماند. باین ترتیب محل سفتی ها و ناهمواری های پستان بخوبی مشخص میگردد (تصویر شماره ۵). در آخر... نوک پستان را بایستی بین انگشتان فشرده و در صورت وجود ترشح یا خون بد کتر فوراً اطلاع داد (تصویر شماره ۶).

۲- امتحان رادیوگرافی مخصوص سینه ها

این آزمایش یکی از بهترین وسایل تشخیص زودرس سرطان سینه خاصه در سنین پس از یائسگی است. باین وسیله میتوان غده های خیلی کوچک در حدود چند

نتیجه درمانی سرطان پستان نسبت معکوس با اندازه این غده دارد و عبارت دیگر هر چه توهمزودتر برداشته شود درمان قطعی تر و عود و انتشار آن کمتر خواهد بود، براین اساس، دانشمندان مرتباً درصد پیدا کردن وسایلی هستند تا باین تشخیص زودرس کمک کنند.

سه عامل مهم تشخیص عبارتند از:

- ۱- امتحان مرتب پستان توسط خانم ها.
- ۲- رادیوگرافی مخصوص سینه ها.
- ۳- امتحان کلینیکی توسط پزشک و جراح آزموده.

۱- امتحان شخصی

مهمترین وساده ترین وسیله تشخیص است که همه خانمها باید آن را بیاموزند. بهترین موقع امتحان سینه های یک هفته بعد از اتمام عادت ماهیانه است. در این امتحان بایستی از کف انگشتان استفاده شود (نبایستی نوک انگشتان را بکار برد چون باعث اشتباه تشخیص خواهد شد). این بررسی به سه صورت انجام می گردد:

اول - در زیردوش: کف انگشتان را روی پوست سینه و در جهات مختلف بلغزاند تا متوجه هر نوع سفتی یا کلفتی پوست بشوید (تصویر شماره ۱).

دوم - در جلوی آئینه: ابتدا بصورت معمول سینه ها را ملاحظه کرده بعد دستها را بالا ببرید. باین طریق هر نوع تغییری را در پیرامون پستان ها بخوبی می توانید ملاحظه کنید. با دقت بیشتری فرورفتگی های پوستی و یا برجستگی های غیر قرینه را به



تصویر شماره ۱

• باتوجه به بررسی در تاریخ بنظر میرسد که بیماری سرطان همیشه وجود داشته است. اولین مورد آن را در پایروس های مصری در حدود ۲۵۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد ذکر کرده اند. بعدها در قرن دوم میلادی جالینوس آن را شبیه به خرچنگ مشاهده کرد و لغت کانسریا سرطان از آن بعد متداول شد.

از سال ۱۹۴۰ بعد این بیماری بیشترین عامل مرگ و میر زنان آمریکایی در میان سرطان های مختلف بوده است که سالیانه در حدود ۳۷ هزار نفر تلفات داشته است، بطوریکه از هر ۱۱ زن یک تن دیر باز و دبان مبتلا می شود. باتوجه به اهمیت و شیوع این بیماری نکاتی را ذیلاً به نظر خوانندگان عزیز می رسانم.

بررسی علل و عوامل بروز بیماری

متاسفانه با تمام آمارگیری ها و مخارج هنگفت هنوز این عوامل مشخص نیستند ولی بنظر میرسد که این بیماری در بعضی خانواده ها بیشتر است. همینطور در زنانی که هرگز آستن نشده اند (مثل تارک دنیاها) و یا در سنین دیرتر زندگی حامله میشوند شایع تر است. سایر علل شیوع این بیماری عبارتند از: چاقی - استفاده بیشتر از چربی حیوانی و کمبود استفاده از سبزیجات و سالاد و سبوس یا گندم کامل و اغذیه پرچرم.

در حدود دو سوم زنان مبتلاستان بین ۴۵ و ۵۴ سال است ولی شیوع بیماری خاصه از سن ۳۵ سالگی مورد اهمیت است. البته در سنین پایین تر (حتی ۱۸ ساله) و بالاتر (تا سن ۹۵ ساله) نیز مواردی دیده شده است. بهمین جهت همه زنان بایستی باشیوه آزمایش پستانهای خود آشنائی کامل داشته و اقلأ ماهی یکبار این امتحان را شخصاً انجام دهند.

تشخیص بیماری و اهمیت امتحان شخصی

بطور متوسط ۶ تا ۷ سال طول میکشد تا یک سلول سرطانی پستان با اندازه ۱ تا ۲ سانتیمتر شده قابل لمس گردد. از آنجائی که

کنید تا اقدام به تشخیص کند.

۳- از آنجائیکه هرچه غده سرطانی کوچکتر باشد درمان آن موفقیت آمیزتر است بنابراین امتحان شخصی بسیار مهم است و حداقل ماهی یکبار میبایستی انجام گیرد. بیماری سرطان پستان بسیار شایع و پیشرفت آن سریع است. تنها همکاری نزدیک خانمها و جراحان متخصص میتواند این تومن سرکش را مهار کرده سلامت و شادمانی خانواده ها را تضمین کند. ■

سوم - برداشتن کامل پستان و غدد لنفاوی زیر بغل به همراه رادیوتراپی و شیمی درمانی (کیموتراپی).

توجه کنید

۱- تومرهای پستانی اکثراً سرطانی نیستند. بنابراین احساس غده در سینه نبایستی موجب وحشت گردد. ۲- در صورت احساس غده در پستان نبایستی فوراً به جراح متخصص رجوع



تصویر شماره ۵

میلیمتر را کشف کرد. دانشمندان توصیه میکنند که پس از سن ۴۵ سالگی تا حدود سن ۵۴ سالگی این رادیوگرافی هر سال بآورد و سال یکبار انجام گیرد. در خانمهای جوانتر، در صورت وجود سفتی مشکوک در سینه هاین امتحان لازم بوده و مکمل امتحان بالینی است.



تصویر شماره ۶

کنسرت سه نسل از یک خانواده

● خانواده موسیقیدان و هنرمند دردشتی سالیان درازست که برای علاقه مندان هنر و موسیقی اصیل ایرانی نامی آشنا و چهره های پرآوازه هستند. این خانواده که آوازخوش در میان افرادش میراثی گرانبها است هم اکنون در امریکا بسر میبرند و برای اولین بار در یک کنسرت دسته جمعی سه نسل از افراد آن برای هنرمندپروان برنامه های موسیقی اجرا خواهند کرد. کنسرت خانواده دردشتی روز سه شنبه بیست و دوم ژانویه در کنسرسی رمت صیون در نیورتریج بروی صحنه خواهد آمد و طی آن دردشتی خواننده آوازهای اصیل ایرانی (پدر)، فرید و حمید و دیوید دردشتی پسران خانواده و دانیل و گالیت دختران فرید (نوه ها) باتفاق شیلا عروس خانواده ترانه های مختلف را برای دوستان موسیقی راستین اجرا می کنند. برنامه کنسرت شامل آهنگ های کلاسیک، مدرن، پاپ و محلی به زبانهای مختلف خواهد بود. باتوجه به سابقه دیرینه این هنرمندان انتظار میرود که این کنسرت با استقبال فراوان دوستان موسیقی مواجه شود. ■



تصویر بالا برادران هنرمند دردشتی، تصویر پایین سمت چپ دردشتی و عکس سمت راست خواهران دردشتی در کنار مادر هنرمندشان دیده می شود.

۳- امتحان بالینی

متخصص آزموده، پس از بررسی سوابق خانوادگی و بیماری و داروهای مورد استفاده نظیر هورمون ها، امتحان سینه را بنحوی که ذکر شد انجام میدهد. گاهی در صورت حس شدن غده ای آن را با سرنگ میکشد. وجود مایع معمولاً علامت خوبی است ولی نبایستی با امتحانات بعدی توأم باشد. گاهی از خود غده چند سلولی را برای آزمایش مخصوص به وسیله سرنگ کشیده و بررسی می کنند که می تواند بدخیمی یا خوش خیمی تومرانشان دهد.

۴- درمان سرطان پستان و نتایج درمانی

بطور مختصر درمان های نوین سرطان پستان عبارتند از: اول - برداشتن غده سرطانی به علاوه رادیوتراپی. دوم - برداشتن غده سرطانی به علاوه برداشتن غدد لنفاوی زیر بغل و رادیوتراپی.

ساختن آن در صورت وقوع موجود است باصطلاح امروزی «حقوق» نامیده می شود. به عبارت دیگر حقوق مجموعه مقررات و قواعدیست که برای تنظیم کردن روابط یک جامعه از طرف مقامات صلاحیتدار وضع می گردد و برای تامین اجرای آن از قوه مجریه استفاده می شود. نظامات و اصول موضوعه باصطلاح حقوق و یاقانون نامیده می شود. حقوق بمعنائیکه در بالا ذکر شد بدو قسمت

اصلی تقسیم می شود:

۱- حقوق فطری یا طبیعی.

۲- حقوق موضوعه.

حقوق فطری

آن قسمت از مقرراتیست که بوسیله مردم وضع نشده است بلکه فطراً موجود در همه اعصار و در کلیه جوامع و کشورها وجود داشته و خواهد داشت. (مثل عطف بماسبق نشدن قوانین موضوعه و یا قوه الزامی قراردادها).

حقوق موضوعه

شامل مقرراتیست که توسط بشر وضع شده مانند قوانین مالیاتی، نظام وظیفه و غیره که خود بدو قسمت عمومی و خصوصی تقسیم می شود.

قوم یهود که بذرتوحید و بکتاپرستی رادردنیافشانده است دارای قدیمی ترین حقوق ها و قوانینی است که وجود آنها مایه سربلندی افراد یهودی است. غالب قوانین و اصول حقوق بنی اسرائیل هم اکنون نیز در مجموعه های قوانین سایر ملل مجری است.

فرامین ده گانه و تورات شالوده حقوق بنی اسرائیل را تشکیل می دهند. همانطوریکه اشاره شد و زندگی اجتماعی و توسعه مناسبات بین افراد و خانواده ها، قبایل و کشورها تولید اختلافاتی می کرد که در قوم بنی اسرائیل این اختلافات بوسیله مراجع و محاکم بی غرض و بااطلاع حل می شد و مجموعه قواعد مذکور حقوق بنی اسرائیل را تشکیل می دهند.

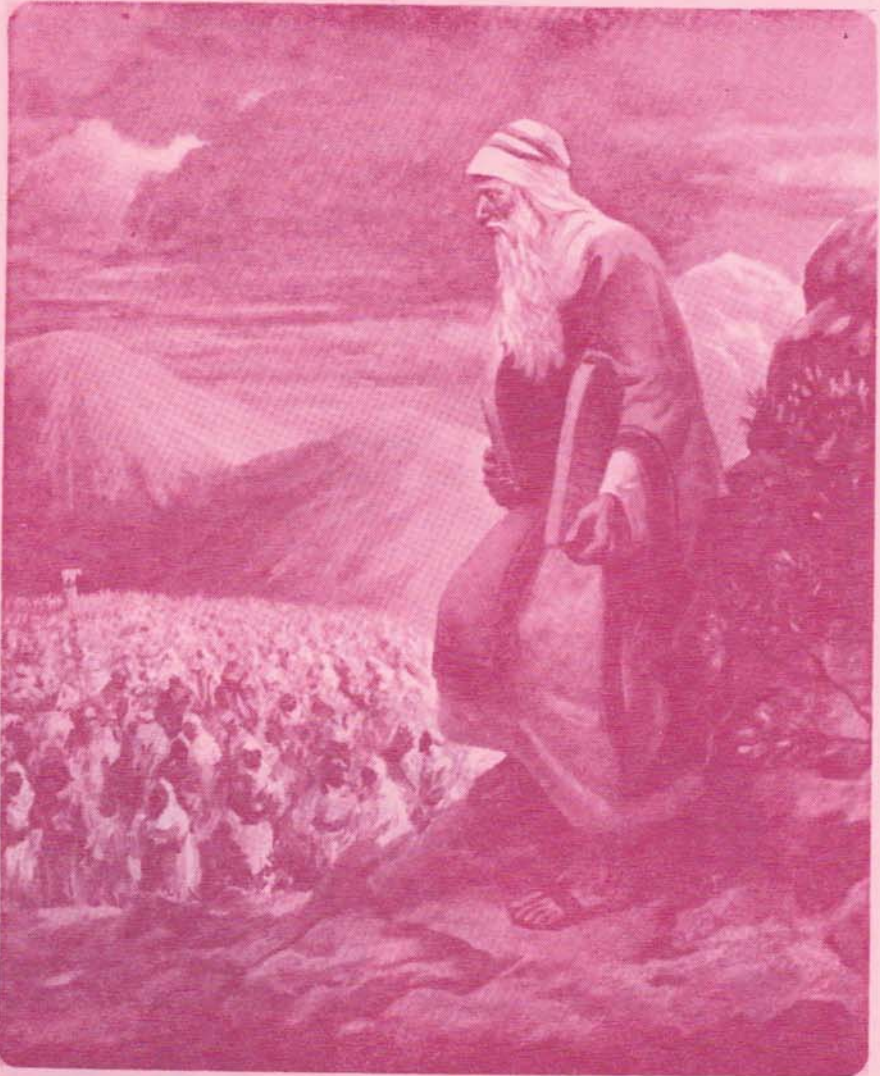
اول - حقوق عمومی

حقوق عمومی قسمتی از مقرراتیست که از اساس و طرز اداره جامعه بحث می کند مثل حقوق اساسی و حقوق اداری، حقوق مجازات عمومی و غیره.

۱- حقوق اساسی

از اساس حکومت یک کشور و طرز اداره آن

حقوق در بنی اسرائیل

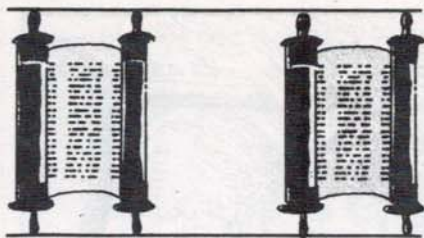


محقق گرامی آقای بنارش بررسی علمی و جامعی در مورد حقوق بنی اسرائیل در عهد باستان کرده و برای مجله شوفار ارسال داشته است. بنابه اهمیت کلیه مندرجات و آموزنده بودن نوشته آنرا در سه قسمت تنظیم کردیم که بنوبت در این شماره و دو شماره آینده بنظر شما دوستان میرسد.

زور و با بامراجعه ریش سفید یا با تجربه مرتفع می گردید.

مجموعه قوانین و رسومی که برای جلوگیری از وقوع هرگونه اختلاف و مرتفع

• غریزه بشری حکم می کند که انسان باهمین نوع خود زندگی کند و همین زندگی اجتماعی از بدو پیدایش انسان همواره موجب بروز اختلافاتی شده که اصولاً بوسیله



نداشته اندازان شهرها خارج شوند و بدین ترتیب از آتش انتقام بستگان و نزدیکان مقتول در امان می ماندند.

ضربات و وارد کردن جراحاتی که فقط یکی از اعضاء بدن را مجروح می کرده و شخص را برای مدتی از کار می انداخته است مجازاتی نداشتند و در مواردی که مجروح می توانسته با تکیه بچوب دستی سر بپایستد مرتکب جرح و ضرب فقط محکوم به پرداخت خرج درمان و همچنین جبران خسارت بیکاری و ایام استراحت بوده است.

سرقتهای مجازاتهای نقدی داشته است. در صورتیکه اشیاء دزدی موجود بود و در برابر او اگر فروش رفته و یا مصرف شده بود سارق موظف به پرداخت چهار برابر قیمت آنها میشد.

در مواردیکه دزد در حین ارتکاب جرم زخمی و یا حتی کشته میشد قاتل هیچگونه مجازاتی نداشت.

خساراتیکه بعلت آتش سوزی به خرمنها و یا توسط احشام و اغنام به مزارع وارد میامد می بایستی توسط مرتکب آتش سوزی و یا صاحب و مالک احشام جبران شود.

در مورد جرایم انتظاماتی محاکم رسمی جریمه هایی تعیین و اخذ میکردند و یا مدتی برای بیگاری اعمال میکردند.

بطور کلی باید گفت که مجریان قوانین بنی اسرائیل سعی می کردند مقصود را ادا کنند خطای خود را جبران کنند و بهمین دلیل در محاکم بنی اسرائیل بعد از ثبوت غالباً به مدعی اجازه داده میشد مجازاتی را به دادگاه پیشنهاد کند و دادگاه پس از بحث درباره اجراء تعدیل آن و حکم نهائی را صادر میکرد.

همچنین گروه قضات نسبت به نادمین و توبه کاران همیشه ارفاق میکردند. در مواردیکه خسارات وارده قبل از تعقیب مجرم جبران میشد از مجازات صرف نظر میکردند. ■

(۱) البته در همه ادوار رئیس مملکت پیشوای مذهبی نبوده است. پیشوای مذهبی از آن کاهنان بوده که بعد از ویرانی معبد مقدس به علم رسید. فقط در زمان حشونائیم این دو مقام در مدت محدودی تلفیق شد.

مجموعه مقرراتیست که از طرفی اعمالی که افراد جامعه موظف با اجرا یا ملزم بخودداری از انجام آن هستند (جرم) را تعریف میکند، و از طرف دیگر مشخصیکه از مقررات تخلف کرده است (مجرم) را تعیین نموده بالاخره درباره سزای عمل خلاف قانون (مجازات) بحث میکند.

در حالیکه در قوانین جزائی غالب ملل قدیمی مثل مصریها و آشوریها و رومیها مجازات های سختی بر پایه گرفتن انتقام مجری بوده است در حقوق بنی اسرائیل هجازهها فقط بمنظورهای زیر اعمال شده اند:

۱- جلوگیری از تکرار جرم - بهمین علت در موارد ممکنه مجرم فقط ملزم بجبران خسارت بوده است.

۲- قطع ریشه فساد از جامعه اسرائیل که بایستی همواره پاک و منزّه باقی بماند.

۳- ترس از مجازات - زیرا اگر مجازاتی در بین نباشد و مجرمین تنبیه نشوند محیط فاسد خواهد شد.

مجازاتهای متداول قابل ذکر در قوانین جزائی بنی اسرائیل عبارت بودند از:

۱- محرومیت از حق زندگی در صورت قتل نفس عمدی و بانقشه قبلی، شرک، کفر و زنا برای افراد بالا تراز بیست سال.

۲- محرومیت از حقوق اجتماعی و دینی.

۳- جریمه نقدی.

۴- دادن قربانی در راه خداوند.

۵- محرومیت از پاره ای حقوق شخصی مثل بیگاری و یا پرداخت جریمه جنایات فقط با اثبات هردو مرحله قصد و ارتکاب محرز شناخته میشد، در حالیکه ارتکاب جرم بدون اینکه عمل آن وقوع پذیرد نیز قابل مجازات می بود اشد مجازات در هر مورد و اعدام هیچگاه شامل جنایات غیر عمدی نمیشد است.

بطور کلی حقوق بنی اسرائیل در مورد جرمهای غیر عمدی مجازاتهای بدنی و یا جزای نقدی تعیین نکرده فقط مقصود موظف بوده برای کفاره گناه به تناسب نوع جرم و وضع اجتماعی و دارائی خود قربانی هائی بدهد.

حقوق بنی اسرائیل مرتکبین جنایات غیر عمدی را مجرم فطری محسوب نکرده است ولی لازم می دانسته که مجرم را از نظر اقربا و اقوام مقتول دور ساخته از هرگونه انتقام جوئی و کینه و رزی جلوگیری کند. در تورات آمده است که سه شهر بالای رود (بردن) و سه شهر دیگر از کشور کنعان برای پناه قاتلین غیر عمدی وجود داشته و آنها تا مدتی حق

وقوای مدیره جامعه بحث می کند. حقوق اساسی دولت بنی اسرائیل رابطه مستقیم با مذهب داشته و رئیس مملکت پیشوای مذهبی قوم یهود نیز بوده است. (۱) با این حال اداره امور بدست یکتفوی با اصطلاح مطلقه نبوده بلکه مجمعی بنام سندرم علاوه بر وظایف قضائی تا حدودی وظایف مجلس شورا و سنای امروری را در ممالک مشروطه و جمهوری فعلی انجام می داده است. امور مهمه جامعه مثل تطابق قوانین با احتیاجات روزمره مردم، اعلان جنگ و صلح، تصویب و یا افزایش مالیاتها، امر سرشماری و تنظیم تقویم هافقط از وظایف آن مجمع بوده است.

۲- حقوق بین الملل عمومی

از روابط دودولت بایکدیگر و با روابط افرادیک کشور با دول دیگر بحث می کند. این قسمت از حقوق بویژه در اعصار گذشته اصول ثابتی نداشته است بلکه بوسیله وضع قرارداد بین دولتهات تعیین می شده و ضمانت اجرای آن نیز قوه قهریه و زور بوده است. با این حال در تورات مواردی هست که مثلاً روابط یهودیان با مللی که از سرحدات و کشورهای آنها عبور می کرده اند را تعیین می کند. مثلاً هنگامیکه مجبور به عبور از خاک یک کشور خارجی میشدند قبلاً نمایندگان برای کسب اجازه به محل اعزام می کردند و با تضمین اینکه خساراتی بمزارع و چشمه ها و چاه ها وارد نخواهند کرد هزینه افراد خود را تعهد می کردند. در صورتیکه پیشنهاد آنها پذیرفته نمیشد، راه خود را تغییر میدادند و آن مملکت را دور می زدند.

۳- حقوق اداری

حقوق اداری از سازمان وزارتخانه ها و ادارات دولتی و روابط آنها با افراد کشور همچنین وظایف کارمندان دولت و طرز گردش کارها بحث می کند.

در ادوار اولیه سازمانهای دولتی محدود و منحصر به دادگستری، دارائی و جنگ بود. مانیز بحث در وظایف آنها در حقوق بنی اسرائیل را به بررسی آئین دادرسی منحصر می کنیم. لازم به یادآوری است که در حقوق بنی اسرائیل محاکمه کارمندان کشوری و لشگری حتی محاکمه روحانیون از وظایف مجمع عالی سندرم بوده است.

۴- حقوق مجازات عمومی

ایران زنده است

● ما ایرانیان آواره دور از وطن دلخوشیمان شنیدن نام ایران و یادآوری فرهنگ غنی کشورمان و آداب و رسوم کهن پارسی از لابلای صفحات نشریات فارسی زبان است. من دریافته ام که علایق و خواسته هایم در مجله شوفار نهفته است. بامید اعتلای کشورمان و موفقیت شما در زنده نگاه داشتن فرهنگ فارسی در این گوشه دنیا شما درودی فرستم.

یک ایرانی یهودی

این رویه نیک

باید ادامه پیدا کند

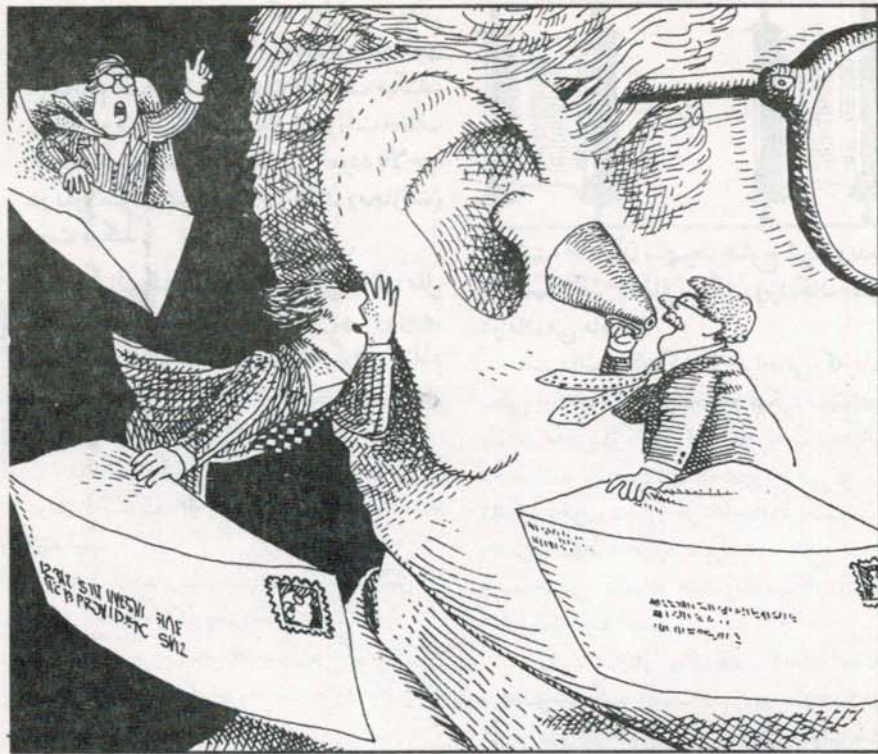
● در جشن ۳۱ اکتبر فدراسیون شرکت کردم و براساسی از آن لذت بردم، زیرا در محیطی بدون تشریفات تعداد کثیری از خانواده ها همراه با فرزندان جوان خود بدور هم جمع شده و ساعات خوشی را گذراندند. از جوانانیکه اغلب در جشن ها شرکت دارند شنیدم که می گفتند برای اولین بار خود را در محیطی کاملاً خودی یافته اند و از اینکه مبلغ ورودی نسبتاً کم و برای همه افراد قابل قبول بوده همه اظهار رضایت می کردند. من می خواهم پیشنهاد کنم بازم از مقدار شیرینی و میوه و آجیل کم کنید و ساده تر برگزار کنید زیرا هیچکس برای خوردن در چنین مجالسی شرکت نمی کند، اصل صفائی است که همه بدنبال آن هستیم ■

امضاء محفوظ - دکتر «س»

«ده فرمان...»

● مطالب شماره ۷ شوفار را خواندم. مطلبی را که در صفحه ۲۳ تحت عنوان «ده فرمان روابط انسانی» بعضی از افراد که از متن اصلی ده فرمان اطلاع کافی ندارند ایجاد توهم خواهد کرد، بخصوص که دو کلمه «ده فرمان» با خط درشت نوشته شده! بدنیست در شماره بعد در این باره توضیحی داده شود تا آنها نیکه احياناً دچار اشتباه شده اند متوجه گردند ■

روبن د.



ما وشما

دوستان عزیز:

● توجه داشته باشید که در این صفحه تنها به نظریات و نامه هایی اشاره میشود که نام نویسنده و یا گوینده نظر، آدرس و شماره تلفن آن دقیقاً ذکر شده باشد. از چاپ نامه های بدون امضاء و یا پاسخ به تلفن های بی نام خودداری میشود. در صورت تمایل نام شما نزد ما محفوظ خواهد ماند.

تلفن تحریریه شوفار ۶۵۵-۷۷۳۰ (۲۱۳) است و آدرس ما پشت مجله چاپ شده

است ■

اجرا کردم و همه لذت بردیم. ما یهودیان نیویورک برای هرگونه همکاری و مساعدت مالی و فکری با شما آمادگی کامل داریم و دعای کنیم در کارتان موفق باشید ■

نورالله طیب نیا

شوفار: متشکراً فدراسیون یهودیان ایرانی است

تصور می کنیم حق اشتراک را کمتر کنید

● با وجودیکه توضیح داده اید که ۳۶ دلار حق اشتراک مجله و قبول عضویت فدراسیون یهودیان ایرانی است تصور می کنیم برای اغلب دوستان کمی مشکل باشد که برای هر شماره سه دلار بپردازند. بهتر است حق اشتراک سالانه را ۱۲ تا ۲۴ دلار بگذارید و برای حق عضویت و سایر پرداخت ها جداگانه مطالبه کنید ■

موسی روچل

نامه های رسیده

ساده تر بنویسید

● از مطالب و مقاله های راب داوید شوفط و همچنین مطلب جوانان را در یاید بسیار لذت بردم. تقاضای من از حضور راب داوید اینست که مقاله ها و گفتارهای مذهبی را کمی ساده تر بنویسید تا درک آن برای جوانان ما آسان تر باشد ■

اختر حکیم

یهودیان نیویورک

● بر حسب تصادف چندین شماره مجله شوفار بدستم رسید، از مقالات آن لذت بردم و با سابقه گویندگی که دارم یکی دو مقاله آن را شب کیپورد کنیسیای بریت نک نیویورک

نامه ای از ایتالیا

برحسب تصادف مجله شوفا رادرم منزل یکی از دوستانم دیدم وازاینکه شما یهودیان ایرانی درکالیفرنیا تشکیلاتی دارید خوشحال شدم. برایتان آرزوی موفقیت می کنم و دو مقاله همراه با این نامه می فرستم.

نینا استوار - ایتالیا

● تابستان امسال نمایشگاه جالبی از پوستر و عکس که توسط سربازان آلمانی از زندگی در گتو و رشو گرفته شده بود در میلان به باشد که نامش صحنه هائی از زندگی در گتو بود، البته اگر این زنده ماندن را بشود زندگی نامید. این تنها ۸۰ عکس از مجموعه ۱۸۰ اثری بود که «کنوگاریا» سه سال پیش از آرشیو ملی لهستان در ورشو به ایتالیا آورده و مجدداً چاپ و بزرگ کرده بود. تعدادی از آنها قبلاً دیده شده و نااندازه ای آشنا بود. بقیه هم تصویری بود از آنچه که در نوشته های مختلف درباره اش خوانده ایم و سندی بنام عکس تلخی آنرا تکرار میکرد. در اهمیت این عکسها کافی است بگویم که اینها تنها تعدادی از عکسهای آرشیو ملی لهستان است که تاکنون از نظر جهانیان ناشناخته مانده است و دولت لهستان هم علاقه چندانی به نمایش آنها ندارد.

اغلب این عکسها بطور معجزه آسائی از زیر ضربیه های گتو جان سالم بدر برده و نمایانگر سه زمان متفاوت در گتو است: اول زمانی که دیوار گتو ساخته شد (۱۹۴۱)؛ دوم عکسهائی که خود سربازان آلمانی بعنوان سندنزدگی یهودیان در گتو گرفته بودند و سری سوم مربوط به ۱۹ آوریل ۱۹۴۳ است که به مناسبت تصادف با روز تولد هیتلر، آلمان ها گتورا به سر آخرین بازماندگان نگون بخت آن خراب کردند. در واقع آخرین عکس نمایشگاه کودکی است که بحالت تسلیم به هنگام خراب کردن گتو دستها را بالا برده است.

برای برپا کردن این نمایشگاه عکس ۲۰ میلیون لیر ایتالیایی خرج شده است و نمایشگاه بعد از میلان و رم و شهرهای بزرگ ایتالیا به بارسلون و زوریخ برده خواهد شد. شوفا: باتشکر از شما از مقاله دیگرتان نیز در شماره های بعد استفاده خواهیم کرد.

به همدیگر و دردهای هم برسیم

● این جایجایی و کوچ کردن اجباری بسیاری از ما ایرانیان را دچار آفسردگی و غم و پریشانی کرده است. گرچه مسائل مالی در این میان

بسیار مهم هستند و نقش قابل توجهی دارند ولی فراموش نکنیم که کمبود وابط عاطفی صحیح و به درددل هم نرسیدن هم بسیار موثر است. بیانشید به همدیگر کمک کنیم تا روحیه سالمتری داشته باشیم و به دردها و غم های هم برسیم و مرهمی بر زخم های یکدیگر باشیم. مابه هم احتیاج داریم.

اشرف. خ.

مقالات شمارسید متشکریم

● آقای کامران بن جی ازدانشگاه یو.سی.ال.ای. مقاله جالب شمارا مطالعه کردیم. در فرصت مناسب چاپ خواهد شد. همکاری خود را از ما دریغ نکنید. ■

● خانم زیناعزیز زاده دو مقاله شما بدست ما رسید. متأسفانه نوع نگارش و نحوه ارائه آن

طوریست که قابل چاپ در شوفا نیست. باتوجه به محتویات مجله چنانچه مقالاتی متجانس با آنچه چاپ می شود دارید برای ما بفرستید. متشکریم. ■

قطعه ای از یک شعر



جهان را بابه و بنیاد عشق است
خلایق را امید و کام عشق است
به گردش در فضا قمار و کرات
نظام کهکشانی ملزوم عشق است

بتاب در زمین خورشید تابان
وجودش مملو از گرمای عشق است
چو یابد در شبانگه ره مسافر
زمهتاب روشنایی، نور عشق است
سهیل کهن صدق

قطعه ای از ویکتور گو
ترجمه: کارملا نسیم



«آزادی»

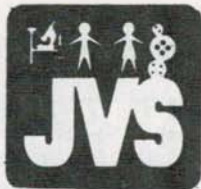
فکر کرده اید هر جا که اسیری از دست جور و ستم می نالد، خداوند بدومی نگرند؟ کلید کشتزارهای پهن و دراز است این زندانیان اسیر بدهید؟ بلبلان را آزاد کنید! پرستوها را آزاد کنید! مراقب قفس هایی که برای زینت بديوارها آویخته اند باشید، زیرا تر از زوی نامرئی جهان دو کفه دارد. از همین سیم های باریک و زرین قفس است که میله های آهنین و سیاه زندان بدیدمی آید، و از همین قفس هاست که باستیل های موحش ساخته می شود.

آزادی رهگذران بی آزار آسمان و چمن و رودخانه و دریا را احترام بگذارید. آزادی این بیگناهان را بگیرید تا سرنوشت داد گسترین آزادی شمارانگیرد. اگر ما از جور و ستمگران می نالیم، برای آنست که خود ستمگریم.

ای انسان، آیا راستی می خواهی آزاد باشی؟ پس به چه حق این زندانی اسیر، این شاهد خاموش بیدادگری را در خانه نگاه داشته ای؟ ای ستمگر، چرا فریادمی زنی: «بر من ستم می کنند؟» نظری به این اسیر بینوا که سایه او بر تو افتاده بیانداز و بدین قفس که در خانه ات آویخته ای بنگر. حیث که نمی دانی در پس میله هایی که اکنون پرنده ای بیگناه را محصور کرده اند، پایه های زندان کار گذاشته می شود. ■

● به چه حق مرغان آزاد را در قفس زندانی می کنید؟ به چه حق آنان را از بیشه ها، چشمه ها، سپیده دم و ابرو باد دور می سازید و سرمایه زندگی را از این زندگان می دزدید؟ ای بشر، به راستی گمان داری که خداوند برای آن بدین موجودات ظریف بال و پر داده است که تو پر و بالشان را بچینی؟ مگر بدون ستمگری نمی توانی خوشبخت زندگی کنی؟ آخرین بی گناهان چه کرده اند که باید عمر خویش را در زندان تو بگذرانند؟ از کجا معلوم که سرنوشت این زندانیان بی گناه با سرنوشت مادر آمیخته نباشد و از کجا معلوم که آه پرنده ای که دست ستم ماورا از آشیان جدایی کند و وظایمانه در دام اسارت می افکند، بصورت فرمانروایان ستمگر بسوی ما باز نگرند؟

چه کس می داند که از رفتار مادرین جهان چه نتیجه ای حاصل می شود؟ و از این جنایاتی که ما بآلب پر خنده انجام می دهیم در چهارراه اسرار چه برمی خیزد؟ هیچ فکر کرده اید وقتی این سبکبالان آسمان آبی را که برای پرواز در فضای بی انتها آفریده شده اند، در پشت میله های قفس زندانی می کنید و آنها را به بند ستم می افکنید، ممکن است نوک خونینشان از میله های قفس بگذرد و شمار از خمی کند؟ راستی هیچ



مرکز کاریابی یهودیان

وابسته به فدراسیون یهودیان امریکایی
درلوس آنجلس بزرگ

• همانطور که در شماره قبل بنظرتان رساندیم بخش مخصوص خدمت به یهودیان ایرانی وابسته به مرکز کاریابی یهودیان امریکایی کماکان در صدد کمک به افراد جوای کار و معرفی آنان به بازار کار است. این ماه نیز تعداد دیگری از دوستان ایرانی جوای کار در مجله شوفار به صاحبان مشاغل معرفی می شوند تا در صورت لزوم از این گروه متخصصان استفاده کنند.

چندین مشاور در دو مرکز لوس آنجلس و سن فرناندو ولی نام و نشانی و تخصص افراد جوای کار را در دست دارند که از طریق مجلات مختلف بنظر امریکایی های صاحب شغل می رسانند. نشریه شوفار ضمن تجلیل از این خدمت ارزنده هر هفته صفحه ای در اختیار این مرکز غیر انتفاعی می گذارد تا به معرفی افراد جوای کار بپردازد. در ستون مقابل به ترتیب تخصص هر شخص، نام او (از ذکر نام خانوادگی خودداری می شود) سابقه کار و مهارت های او درج شده است. در داخل پرانتز حروف اول اسم مشاور که شخص جوای کار را برای می دهد ذکر شده است. در مقابل برخی از اسامی مشاوران سه حرف (اس. اف. وی.) نیز چاپ شده است که محل کار آن مشاور را که در منطقه سن فرناندو ولی است مشخص می کند. بدین ترتیب صاحبان مشاغل می توانند که فرد مورد نیاز خود را در میان گروه معرفی شده می یابند می توانند با دفتر لوس آنجلس تلفن ۶۵۵-۸۹۱۰ و در صورتی که سه حرف (اس. اف. وی.) در مقابل حروف اول نام مشاور نوشته شده باشد با دفتر ولی تلفن ۹۰۷-۵۵۰۶ تماس بگیرند.

امیدواری مایینست که دوستان عزیز ایرانی با مرکز کاریابی و همچنین نشریه شوفار در این زمینه همگامی و همراهی مثبت بکنند تا به آن تعداد از دوستان نیازمند کار خدمت ارزنده ای شود. ■

یهودیان امریکایی با کمک سازمانهای یهودی ایرانی مقیم کالیفرنیا در جلسه سمینار بررسی و آشنائی با بازار کار و مشاغل آزاد را برای ایرانیان که مایل به آغاز کار در کالیفرنیا هستند تدارک دیده است. باتوجه به اطلاعیه این مرکز دو سمینار مزبور در روزهای یکشنبه بیستم فوریه و یکشنبه بیست و هفتم فوریه درلوس آنجلس برگزار میشود. اطلاعات دقیق تر در مورد سمینار و محل برگزاری آن در شماره بعد شوفار بنظر شما خواهد رسید.

کنیسه ای ایرانیان مقیم

منطقه ولی

تلفن: ۷۰۸-۸۴۲۸

• باتوجه به استقبال روز افزون همکیشان مقیم ولی و ضرورت ایجاد مدرسه ای یهودی، مسئولان کنیسه ای ولی با مراجعه به افکار عمومی در روزی کنیسه گذشته و جلب موافقت عموم تصمیم به خرید زمینی جهت ایجاد یک مجتمع فرهنگی و مذهبی در منطقه ولی گرفتند. بقرائط مطالعات همه جانبه و دقیق جهت انتخاب محل مورد نظر پایان یافته و امر خرید زمین در شرف انجام است.

ضمناً کلاسهای عبری و بریتصاویت میتصوای انجمن کنیسه ای ولی کماکان در سراسر هفته دایر می باشد و از علاقه مندان دعوت میشود جهت کسب هرگونه اطلاع باتلفن شماره ۷۰۸-۸۴۲۸ (۲۱۳) دفتر کنیسه ای ولی تماس حاصل فرمایند.

دوستان ایرانی سیتی اف هوپ

• اعضای این گروه دومین جلسه عمومی خود را در روز نوا مبر تشکیل دادند. پس از سخنرانی درباره تهیه انولین انسانی فیلمی از فعالیت های سیتی اف هوپ بنمایش گذاشته شد.

جلسه عمومی سوم روز سه شنبه ۱۴ دسامبر خواهد بود. سخنران جلسه دکتر جمشید مداحی است و در مورد بیماریهای قلب سخن می گوید.

علاقه مندان به پیوستن به جمع دوستان ایرانی سیتی اف هوپ می توانند با شماره تلفن ۷۴۰۵-۲۷۷ خانم عادلہ تماس بگیرند.

سازمان بانوان تلفن ۹۷۴۱-۴۷۶

• جلسات بحث و سخنرانی ماهیانه این سازمان پس از تعطیلات سال نوی یهودی آغاز شده است. در اولین جلسه دکتر پرویز پرنظر در مورد طب زنان سخنرانی کرد و سخنران جلسه ۲۳ نوا مبر دکتر روبرت مرادی روانشناس بود.

• در پی تصمیم اخیر سازمان بانوان و توصیه به اعضای خود افراد علاقه مند به کمک به دانشجویانی که وضع مالی مساعدی ندارند میتوانند بجای خرید گل، هدیه و یا چشم روشنی به مناسبت های مختلف (عروسی و جشن و سرور) مبلغ اهدایی را به حساب بنیان موسی کرمانیان واریز نموده و رسید آنرا به افرادی که دوست دارند هدیه کنند. بدین ترتیب امکان کمک بیشتر به دانشجویان و یادانش آموزان نیازمند برای ادامه تحصیل پیدا خواهد شد.

کنیسه ای نصیخ اسرائیل

تلفن های: ۷۰۴۷-۶۵۳ ۷۰۴۹-۶۵۳

• طبق معمول چندین ماهه اخیر جوانان وابسته به کنیسه ای نصیخ اسرائیل هر پنج شنبه از ساعت ۸/۳۰ بعد در محل کنیسه ای بت جکوب جلسات سخنرانی به زبانهای فارسی و انگلیسی برگزار میکنند و ورود برای عموم جوانان بین ۱۹ تا ۳۰ سال آزاد است.

علاوه بر این از هفته اول ماه نوا مبر کلاسهای تعلیم و آموزش مسائل یهودیت مخصوص بزرگسالان هر دو شنبه شب از ساعت ۶ در محل جدید کلاسهای عبری تحت نظر راب داوید شوفت دایر شده است.

• اولیای مدرسه نصیخ اسرائیل تبریکات صمیمانه خود را بمناسبت بریتصوای دانش آموزان زیر اعلام میدارد و پیوستن آنان را به جامعه یهود در تاریخ های زیر جشن میگیرد:

۱- عمید کاشانیان ۴ دسامبر

۲- رامید پور سلیمی ۸ ژانویه ۱۹۸۳

۳- پیایم نیک روش ۸ ژانویه ۱۹۸۳

محل برگزاری مراسم کنیسه ای بت جکوب.

سمینار مشاغل آزاد

مرکز خدمات ایرانی فدراسیون



از: دکتر منوچهر خوبان

چه بد بختی از این بالاتر

اندسپاس می گذارم. آری مازدوره استبداد و آنچه در آن ادوار بر قوم و ملت ما گذشته است گلیه ای نداریم، چه آنچه را که به چشم ندیده ایم می توانیم نادیده انگاریم، ولی... کیپور پارسال بود و مانند همه برادران غریب و در بدر، در چهار دیواری که با همت چند تن از برادران دینی دست و پا شده بود برای عبادت آری فقط برای عبادت رفته بودم. در خود فرو رفته و با خدای خود راز و نیاز داشتم که ناگاه صدای آشنائی مرا از عالم ملکوت به بیداری کشاند. صدای آشنایان شکوفائی ایران دیروز و پریشانی امروز ایران شکایت هاداشت. منتظر بودم که این باردیبر من و استاد سخن از قانون مدنی ایران و تبعیضی که این قانون مادر در باره ایرانیان یهودی! رو داشته بود ذکر می میان آورد. انتظار داشتم که بگویند در آن دوره که برای همه شکوفائی در برداشت قانون اساسی ایران مشروطه حق قضاوت را از یهودی سلب کرده بود. منتظر بودم بشنوم که همین قانون یهودی راجز و ملل متنوعه بحساب آورده بود و ابتدائی ترین حقوق یعنی انتخاب کردن، انتخاب شدن اورا بمجلس شورای ملی و سناتدغن کرده بود. انتظارم این بود که بگویند یهودی همیشه در مظان اتهام قرارداد داشت و از این نظر ملیت و مذهب خود را همواره انکار می کرد. لکن صدای آشنایان معمول سخنی از این نوع آزادی بمیان نیاورد، و آزادی را همان «آزاد بودن در جمع آوری مال و منال» تشریح نمود. چه بگویم. شرایط محیط ما را به این نوع آزادی عادت داده است. معاهدات کرده ایم هر جاب و دانه ای باشد دوران جمع شویم. آزادی تحت یک پرچم ملی بدون «جمع آوری مال و منال» برای ما مفهومی ندارد. بهمین علت است که هم اکنون در سرزمینی رحل اقامت افکنده ایم که دورنمای این نوع آزادی در آن پیدا است. با کمال افتخار و دزدانه در چنین مملکتی بزندگی نکبت بار خود ادامه می دهیم و از ترس اختطار پستی اخراج بدون تانی هر چه را که می گویند گوش می دهیم و تن بهر مدلتی می دهیم که مبادا بیرونمان کنند و از این نمد کلاهی نصیبمان نشود. چه بد بختی از این بالاتر!

• گفتم بنویسم، عنان سرکش قلم رابازها کنم، از غربت، از فرار، از آزادی، از عذاب وجدان، از بد بختی، از خیره سری، از عنان گسیختگی، از بی زبانی و... بنویسم، از کدامیک شروع کنم. من که سال ها است قلم را شکسته و بگوشه ای افکنده ام، من که از این قلم، از این شمشیر آخته جزدرد سر، جزدرد بدی، جزدنابسامانی چیز دیگری دریافت نکرده ام، حال چه شده که باز هم بیاد قلم افتاده ام، باز هم می خواهم شمشیر از نیام کشیده و آنچه رسال هادرنهادم، در ضمیرم پنهان کرده ام بمنصه ظهور برسانم. راستش را بخواهید خودم هم نمی دانم، ناخود آگاه قلم را بدست گرفته و به نگارش این سطور پرداخته ام. گفتم نمی دانم از کجا شروع کنم. بر کلیه کلماتی که از غربت شروع شده و بر بی زبانی ختم شد چشم دوختم یکایک رابارها از نظر گذراندم، از میان همه و همه کلمه «آزادی» نظرم را جلب کرد. آری آزادی چه بهتر که از این آوی گوش نوازش شروع کنم، از کلامی که هزاران بار بگوش مار سیده، لکن در هیچ زمان محتوای آن را درک نکرده ایم. صدها مقاله، ده ها کتاب، هزاران مثال در باره این کلمه قشنگ و زیبا گفته و نوشته اند. هر کس آزادی را به مفهوم درک خویش برشته تحریر در آورده و یا در باره آن داد سخن داده است. یکی آزادی را بپایه دری و هتاک می اشتباه می کند و آن دیگری آزادی را برای خود خوب و برای رقیبش خطرناک توصیف می نماید. و اما... مایهودیان، ماقوم برگزیده خدا، و بالاخص مایهودیان ایرانی آزادی را چگونه درک کرده ایم؟ تاریخ مدون دوهزار و پانصد ساله ایران را ورق می زنیم، از ادنیال نبی گرفته تا ساده ترین فرد یهودی در این دوره طولانی آزادی را در یک جمله خلاصه کرده ایم «آزاد بودن در جمع مال و منال». آری همین و بس. من ازدوره سلجوقیان و کشتار یهودیان ایرانی چیزی بیاندانم، من از آخوند ملا عبدالله درهمدان و وصله های جودی اصولاً ذکر نمی کنم، من از غارت مال و اموال یهودیان و تجاوز به آنها در دوران سلاطین قاجار گله و شکایتی ندارم، من از مظالم شاه عباس کبیر نسبت به یهودیان نامی نمی برم، من این همه و همه را بدست فراموشی می سپارم و تمامی را به لطف و مرحمتی که کوروش کبیر و برخی پادشاهان ساسانی نسبت به یهودیان اسیر و مملکت از دست داده نموده



JEWISH VOCATIONAL SERVICE
of LOS ANGELES

L.A. 655-8910 S.F.V. 907-5506

STRUCTURAL ENGINEER/DRAFTER, Touraj M: Masters in civil engineering. Willing to work in any related capacity. Fluent English. (VS)

SALES, Moulouk E.: Some sales experience, willing to help out with shipping/receiving also. (VS)

SECRETARY, Rachell L.: Well educated. (MK)

COMPUTER PROGRAMMER, Mojgan M.: New graduate. Excellent English. (MK)

ASSISTANT BOOKKEEPER, Khalil M.: Seeking part-time job. (GW)

WELDER, Nagaput B.: Experienced with air conditioning. (GW)

ELECTRONIC TECHNICIAN, Kamran M.: Design, repair and trouble shooting. (GW)

HANDYMAN, JOCAB H.: Specializes in Plumbing. American Experience. Good ESL. (BS-SFV)

MECHANICAL ENGINEER, Ruben S.: American educated. Needs first professional job or related management trainee. Very good English. (BS-SFV)

GENERAL OFFICE, Jaleh M.: Needs first general office job. American Business School Graduate. Excellent typing and shorthand skills. Very Good English. (BS-SFV)

SERVICE/CASHIER, Azizollah D.: Needs a service or cashier job. In Iran client was in bank management. English poor to fair. (RB-SFV)

SINGLE NEEDLE OPERATOR, Lily F.: Seeks job in garment field on SNO machine. English poor. (RB-SFV)

GENERAL OFFICE/SALES, Liz F.: American experience in retail sales. Lite typing ability and reception experience. English fair to good. (RB-SFV)

ARCHITECT, FARAMARZ M.: Many years of experience. Good English. (MK)

انسان را از تمامی مشقتش که زیر آسمان می کشد
 چه منفعت است؟
 یک طبقه می روند طبقه دیگر می آیند
 زمین تا ابد پایداری ماند
 آفتاب طلوع می کند و آفتاب غروب می کند
 و به جائیکه از آن طلوع نمود می شتابد
 باد به جنوب میرود و بطرف شمال دور میزند
 دور زنان دور زنان میرود
 و باد به مدارهای خود برمی گردد
 جمیع نهرها به دریا جاری می شود
 اما دریا بر نمی گردد
 به مکانیکه نهرها از آن جاری شد
 به همان جا باز برمی گردد
 همه چیز پراز خستگی است
 که انسان آنرا بیان نتواند کرد
 چشم از دیدن سیر نمی شود
 گوش از شنیدن معلومی گردد
 آنچه بوده است همان است که خواهد بود
 وزیر آفتاب هیچ چیز تازه نیست
 آیا چیزی هست که درباره اش گفته شود.
 بین تازه است؟

.. وزیر آفتاب

هیچ چیز

تازه نیست



ذکری از پیشینیان نیست
 و از آیندگان نیز که خواهند آمد
 نزد آنانی که بعد از ایشان خواهند آمد
 ذکری نخواهد بود
 من که جامعه هستم
 بر اسرائیل در اورشلیم پادشاه بودم
 و دل خود را بر آن نهادم
 که در هر چیزیکه زیر آسمان کرده میشود.
 با حکمت تفحص و تجسس نمایم
 این مشقت سخت است که خدا به بنی آدم داده است که
 به آن زحمت بکشند
 و تمامی کارها را که در زیر آسمان کرده می شود
 دیدم که اینک
 همه آنها باطل است
 و در پی باد زحمت کشیدن است
 دل خود را بردانستن حکمت
 و دانستن حماقت
 و جهالت مشغول ساختم
 پس
 فهمیدم که این نیز در پی باد زحمت کشیدن است
 زیرا
 کثرت حکمت کثرت غم است
 و هر که
 علم را بیافزاید
 حزن را بیافزاید

وقایع تاریخی

ومذهبی یهودی

ماه کیسلو ۵۷۴۳

(برابر با ۱۶ نوامبر تا ۱۶ دسامبر ۱۹۸۲)



• ماه کیسلو
 مقارن است با
 یادبود قیام
 حشمونائیم و
 پیروزی آنان بر
 آنتیاخوس.

پیروزی که منجر به پاکسازی و تطهیر معبد
 مقدس در اورشلیم گردید و حماسه
 حنوکارا بوجود آورد.

• سیزدهم کیسلو ۴۲۶۰ (۱۴۸۳ سال قبل):
 پایان تکمیل و تدوین تلمود بابلی.

• پانزدهم کیسلو ۴۰۱۰ (۱۷۳۳ سال
 قبل): سالگرد درگذشت ربی یهودا هناسی
 تدوین کننده میشنا.

• هفدهم کیسلو (حدود ۲۲۵۰ سال قبل):
 شومرونی هایاسامری هابران شدند که بجای
 معبد اورشلیم معبدی رادر شهر خود و بر فراز کوه
 گریزیم بنا کنند ولی با مخالفت اسکندر مقدونی
 نقشه آنان با شکست رو برود.

• بیست و پنجم کیسلو (حدود ۲۱۰۰ سال
 قبل): حشمونائیم در پی مبارزه دلیرانه
 خود بر نیروی یونانی مستقر در اورشلیم فائق
 آمده و در معبد مقدس را بازگشائی
 و تطهیر نمودند و جشن های معروف حنوکارا که
 بمدت هشت روز برگزار می گردد و به جشن
 های روشنائی و آزادی معروف است سبب
 گشتند. جنگ های آزادی منجر به انهدام
 آخرین سپاه یونانی و روی کار آمدن خاندان
 حشمونائی بعنوان حاکم یهودای مستقل
 گردید، و حکومت حشمونائیم تا هجوم رومیها و
 اشغال یهودا بوسیله آنان ادامه داشت (حدود
 ۲۰۰۰ سال قبل).

• سی ام کیسلو و اول طوت ۵۷۴۳: روزهای
 اول و دوم روش خودش طوت مقارن با روزهای
 پنجشنبه و جمعه ۱۶ و ۱۷ دسامبر ۱۹۸۲ ■

پس از چهار سال زندگی در دیار بیگانه

بیش از همیشه

اشتیاق سراغ دیداریاران رادم

بایکدیگر تماس برقرار کنیم

محمود معینی عراقی

وکیل دادگستری

MAHMOOD MOINI

15 WILLOW LANE SAUSALITO, CA. 94965

TEL: (415) 461-6500 Off.

(415) 332-6442 Res.

شرکت UNISOURCE

باسابقه چندین ساله در امور ساختمانی ونوسازی
خدمات خود را به شرح زیر اعلام می دارد.

THE UNISOURCE COMPANY, INC.
1100 Glendon Avenue, Suite 2033
P.O. Box 241530
Los Angeles 90024
(213) 824-1112



UNISOURCE CO. INC.



★ رنگریزی

داخل ساختمان
خارج ساختمان
شستوی خارج ساختمان

★ نمای ساختمان
استا کو
چوب
انواع رونمای ساختمان

★ لوله کشی

وان
دوش
توالت
دستشویی
فاضل آب



★ موکت

نصب
شستو

★ آجرکاری

پاسیو
پیاده رو
زیرزمین



★ باغبانی و طراحی حیاط

چمن
درخت
کود
سیستم آبیاری
چوبهای تزئینی
مشاوره



★ سیم کشی

مسکونی
تجارتی

★ خاکبرداری

خاکریزی
حمل و نقل

★ سرویس آسانسور
سرویس و نگهداری ماهانه



★ حمام

دوش نوسازی
کاشی
وان
لوازم تزئینی
کابینت

★ نرده کشی

چوبی
آهنی

★ کف پوش

سرامیک
لینولیم
پارکت

★ عایق بندی

دیوارها
سقف
کف

★ گاراژ

نوسازی
درب اتوماتیک

★ نجاری

تزئینی
کابینت سازی
در
بنجره
اسکلت ساختمان
زده



★ بتون

بتون ریزی
پی ساختمان
خوبایان بندی گاراژ



★ گچ کاری

★ آشپزخانه نوسازی

کابینت
لوازم آشپزخانه
دستشویی

★ ترمیم پشت بام

★ شوفاز و تهویه مطبوع

برای برآورد رایگان با تلفن ۲۴ ساعته ۱۱۱۲-۸۲۴ تماس حاصل فرمایید.

BULK RATE
U.S. POSTAGE PAID
BEVERLY HILLS, CA.
PERMIT 1567

IRANIAN JEWISH FEDERATION
6505 Wilshire Blvd., Suite 1101
Los Angeles, Ca. 90048
ADDRESS CORRECTION
REQUESTED:

SHOFAR